

گناه و آثارشوم آن

در زندگی امت از قرآن و سنت

تألیف:

عبدالله السدحان

ترجمه:

اسحاق دبیری رحمة الله عليه

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam۴۱۱.com

www.videofarda.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۳
تقدیم شیخ دکتر عبدالله عبدالرحمن بن جبرین	۶
مقدمه	۷
پیشگفتار	۱۱
ریشه‌ی گناه	۱۱
آثار گناه آدم و حوا بر فرزندان‌شان چیست؟	۱۱
اولین گناه و نافرمانی که در زمین انجام گرفت	۱۳
فصل اول: اسباب گناه	۱۴
فصل دوم: آثار گناه در گذشتگان	۱۶
یوسف <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	۱۶
یازده برادر یوسف و بنی اسرائیل که فرزندان آنها بودند	۱۶
شوم بودن فرعون برای خویش و خانواده و اطرافیانش	۱۹
قوم صالح و شعیب و هود و نوح و لوط <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>	۲۰
راز عذاب همیشگی کافران در جهنم	۲۱
فصل سوم: آثار گناه در امت محمد <small>صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ</small>	۲۳
مردی که به پیامبر <small>صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ</small> گفت با عدالت رفتار نکردی	۲۳
پنهان شدن لیل‌القدر	۲۳
شتر نفرین شده	۲۴
دعای پیامبر <small>صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ</small> علیه طائفه مضر	۲۴
محروم بودن از باران	۲۵

۲۵..... مجازات خداوند نیکوکار و بدکار را فرامی گیرد:

۲۶..... گفته پیامبر ﷺ به صحابه: «از اینجا برخیزید»:

فصل چهارم: کارهای بسیار خطرناکی که انسان متوجه آن نمی شود، بسیار

۲۸..... شوم و زود رخ خواهد داد

۲۸..... نافرمانی پدر و مادر و قطع خویشاوندی:

۲۹..... زنا کردن و مقدمات آن:

۳۳..... بلاء موکل به سخن است:

۳۴..... لعنت و آثار شوم آن:

۳۵..... وسواس بودن:

۳۷..... فصل پنجم: آثار گناهان بر انسان

۳۸..... آثار ترک گناهان در دنیا:

۳۹..... آثار ترک گناهان به هنگام مرگ:

۴۰..... آثار ترک گناهان در روز قیامت

۴۱..... فصل ششم: «توبه و شرایط آن»

۴۷..... فصل هفتم: پاک کننده های گناه

۴۸..... چگونه خود را از فکر گناه محافظت می کنید؟

فصل هشتم: کیفر و عقاب گناه – گرچه پس از مدتی هم باشد – واقع می شود:

۵۱.....

۵۲..... اغفال شدن به رحمت خداوند جهل است:

۵۴..... فصل نهم: راه رهایی از گناهان شوم

فصل دهم: گناهایی که باید از آن پرهیز شود، و پیامبر ﷺ در حدیث صحیح

۵۷..... از آن نهی فرموده است:

۶۶.....	خاتمه
---------	-------

۶۷.....	منابع و مآخذ
---------	--------------

تقدیم شیخ دکتر عبدالله عبدالرحمن بن جبرین

الحمد لله رب العالمین، وصلى الله على محمد وآله وصحبه وسلم

رساله تألیف برادر محترم دکتر عبدالله بن محمد سدحان را مطالعه کردم، و ملاحظه کردم که ایشان روایات و اندرزهای ارزنده‌ای انتخاب نموده‌اند و شاهکار بزرگ کرده‌اند، و به شیوه استادانه و شایسته مقصود را رسانده‌اند. و چون ایشان مشاهده کرده‌اند بسیاری از مسلمانان در منجلاّب گناه فرو رفته‌اند، و بر گناهان اصرار می‌ورزند، و به عواقب آن توجه نمی‌کنند اقدام به تألیف این رساله نموده‌اند. بی‌تردید گناه و عصیان عامل از بین رفتن برکت و نزول عذاب الهی است، و آنچه بر سر پیشینیان آمد مجازات و کیفر زودرسی (بخاطر کفر و شرک و اصرار بر گناه و نافرمانی) بوده است، و کیفر زودرس شدیدتر و به یادماندنی‌تر است، خداوند درباره برخی از مجازات‌شدگان در دنیا می‌گوید: ﴿وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ﴾ (الحشر: ۳).

«و اگر نه این بود که خداوند ترک وطن را بر آنان مقرر داشته بود آنها را در همین دنیا مجازات می‌کرد، و برای آنها در آخرت نیز عذاب آتش است.» و همراه با آن چه می‌خوانیم و میشنویم، و با وجود این همه نصیحت‌ها و پندها، بسیاری از کشورها و افراد و گروه‌هایی که به اسلام مباهات می‌کنند را می‌بینیم که بر گناهان کبیره اصرار می‌ورزند، و به گناه کردن افتخار می‌کنند، و یکی از آن عاصیان به گناهش فخر می‌نمود، گویا کار نیک انجام داده، و آرزوی پاداش آن را دارد، و این افتخارکردن فریب و وسوسه شیطان است، پس بر هر مسلمانی واجب است به پروردگار روی آورد و رفتار خویش را اصلاح کند و توبه نماید، و بر گناهان گذشته خویش اندوهگین شود، و پروردگار توبه‌بندگان را می‌پذیرد و گناهان را مورد عفو قرار می‌دهد.

و صلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم

عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین

عضو افتاء

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

سپاس و ستایش از آن خداوند است، و او را می‌ستائیم و از او هدایت و یاری می‌جوئیم. و از شر نفس و بدی کردار به او پناه می‌بریم، خدا هر کسی را هدایت کند گمراه‌کننده‌ای ندارد، و هر که را گمراه کند هدایت‌کننده‌ای ندارد، و بر پیامبر ﷺ رحمت و هدایت درود و سلام می‌فرستیم، پیامبری که خداوند او را پس از انقطاع وحی فرستاد تا مردم را به استوارترین آئین هدایت کند، و بواسطه او چشم‌های کور و گوش‌های کر و دل‌های غافل را باز کرد.

چه بسا مردمانی از سنگدلی و از بین رفتن برکت و وسوسه‌های شیطان و مشغول شدن به دنیا به جای دین شکایت می‌کنند.

و از فرموده پروردگار غافل هستند که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَفْلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ﴾ (ابراهیم: ۴۲).

«گمان مبر که خدا، از آنچه ظالمان انجام می‌دهند، غافل است».

میمون بن هارون رحمته الله در معنای این آیه می‌گوید: (این آیه تسلی خاطر برای ستم‌دیده و تهدید برای ستمگر است). ابراهیم بن ادهم رحمته الله می‌گوید: (ما نسلی بهشتی بودیم ابلیس با معصیت ما را فریب داد و از آن رانده شدیم، پس شایسته است که انسان گناهکار به زندگی خرسند نشود تا به وطنش «بهشت» بازگردد).

بنابراین همه این بدبختی‌ها جز بهره گناه و شوم بودن آن چیز دیگری نیست، خداوند می‌فرماید: ﴿أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْجَاهِلِينَ﴾ (۳۵) ﴿مَالِكُوكَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ (۳۶) (القلم: ۳۵-۳۶). «آیا مؤمنانی را (که در برابر حق و عدالت تسلیمند) همچون مشرکان و مجرمان قرار دهیم. شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید؟».

﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمُ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءٌ نَحْيَاهُمْ

وَمِمَّا يُؤْتِي سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٢١﴾ (الجاثیه: ۲۱).

«آیا کسانی که مرتکب بدیها و گناهان شدند گمان کردند که ما آنها را همچون کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند که حیات و مرگشان (در دنیا و آخرت) یکسان باشد؟! چه بد داوری می‌کنند».

﴿أَمْ يَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ يَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾ (ص: ۲۸).

«آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟!».

عامل گناه غفلت و شهوت است چنانچه شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله می‌گوید: (غفلت و شهوت گناهکار را به گناه تشویق می‌کند و ریشه بدبختی است) خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوْنَهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا﴾ (الکهف: ۲۸).

«و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همانها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است».

و هوس و نادانی با هم علت گناهان است، چون اگر شخص هوس باز بداند که هوی و هوس بسیار آسیب‌رسان است قطعاً از آن دوری می‌کند، به همین خاطر صحابه رضی الله عنهم می‌گویند: (هر کسی که نافرمانی خداوند می‌کند نادان و جاهل است).

ولیکن این بیچاره به نادانی‌اش معذور نیست، پس گناهکار باید در عواقب گناه و بدبختی حاصل از آن در دنیا و آخرت - پناه به خدا - بیاندیشد، چون گناهکار هنگامی که گناه می‌کند، نافرمانی چه کسی می‌کند؟ نافرمانی مالک هستی می‌کند!

بلال بن سعد رضی الله عنه می‌گوید: (به ناچیزی گناه نگاه مکن، بلکه به عظمت کسی که نافرمانی‌اش می‌کنید نگاه کن).

آنچه مرا به نوشتن این رساله واداشت این است که مشاهده کردم بسیاری از مسلمانان متأسفانه در ارتکاب گناه سهل انگاری نموده، و می پندارند که توبه محض گناهان را پاک می کند.

ابن قیم رحمته الله می گوید: (گناه زخم است، و چه بسا زخم در جای کشنده باشد). به خدا سوگند توبه تنها کافی نیست؛ بلکه لازم است انسان پشیمان شده و بیمناک باشد و همیشه طلب مغفرت نماید و همراه با آن احسان و کار نیک انجام دهد تا از جمله رستگاران مقرب قرار گیرد، خداوند می فرماید: ﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝۷۰﴾ (الفرقان: ۷۰). «مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است!».

و در آیه دیگر می فرماید: ﴿وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَىٰ اللَّهِ مَتَابًا ۝۷۱﴾ (الفرقان: ۷۱).

«و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، بسوی خدا بازگشت می کند (و پاداش خود را از او می گیرد)».

ای برادر مسلمان: هنگامی که جان و نفس، شما را به گناه کردن فراخواند، و به انجام آن فکر کردی و در دل تصمیم به ارتکاب آن گرفتی، مطالبی که درباره شوم بودن گناه و عاقبت آن — که در ضمن این رساله می آید — را بخوانید، و عظمت آفریدگار و فضلش بر خویش را به یاد آورید، خدای که نعمت سلامتی و عافیت را به شما عطا کرده است، و اگر این نعمت ها نبودند نمی توانستی گناه انجام بدهی، برادر رفتارت را با هم مقایسه کن، لذت گناه چند لحظه است، امیدوارم هنگام گناه کردن تلخی محرومیت را به یاد آورید، فایده در لذتی نیست که عاقبت آن آتش است. از پروردگار خواستارم که ما و شما را از پلیدی و گناه محفوظ بدارد.

خدایا آرزوهایمان را برآورده کن، و عاقبت ما را نیکو گردان، و راه رسیدن به
خشنودی را برایمان هموار ساز، و دست ما را در رسیدن به امور خیر بگیر، و در
دنیا و آخرت به ما رحمت عطا فرما، ای غفار از مرحمت و مهربانی‌ات ما را از
آتش جهنم محفوظ بفرما.

وصلی الله علی محمد وعلی آله وصحبه وسلم



پیشگفتار

ریشه‌ی گناه

«اولین گناه و نافرمانی که در آسمان انجام گرفت»^۱.

اولین گناه در آسمان حسادت ابلیس به آدم بود، آنگاه که خداوند به او فرمان داد برای آدم سجده نماید، بخاطر تکبر و غرور و خودخواهی سجده نکرد. پس از آن، گناه آدم و حوا بود، آنگاه که خداوند به آنها دستور داد از ثمر درخت نخورند به تشویق ابلیس - لعنت خدا بر او باد - از آن خوردند، سپس توبه کردند و خداوند توبه آنها را پذیرفت، و علت آن: «چون گناه، ترک فرمان در نزد خداوند از ارتکاب نهی بزرگ‌تر است، بخاطر این آدم از خوردن درخت نهی شده بود، و خداوند توبه او را پذیرفت، و به ابلیس دستور داده بود برای آدم سجده ببرد و چون امثال امر نکرد توبه‌اش مورد پذیرش قرار نگرفت^۲، چون غالباً منشاء ارتکاب نهی، شهوت و نیاز است، و منشاء ترک فرمان و امر، تکبر و خودخواهی است، و کسی که به اندازه ذره‌ای تکبر در قلبش باشد وارد بهشت نمی‌شود، اما کسی که بر توحید بمیرد گرچه زنا و دزدی نیز کرده باشد، وارد بهشت می‌شود»^۳. پس هر کسی اوامر پروردگار مانند نماز و امثال آن را ترک کند، بی‌تردید در برابر خطر بزرگی قرار گرفته است.

آثار گناه آدم و حوا بر فرزندان‌شان چیست؟

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: (اگر حوا نبود هرگز زنی

۱ - کتاب ادب دنیا و دین، «۲۶۰»، تألیف ماوردی.

۲ - ابلیس در واقع اصلاً توبه نکرد. و گرنه خداوند توب و رحیم است، چون می‌فرماید: ﴿وَلِيَّ لَغَفَّارٍ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا

أَهْتَدَىٰ ۖ ﴿٨٢﴾ (طه: ۸۲). «و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می‌آموزم!».

۳ - کتاب الفوائد، «۲۵۰»، تألیف ابن قیم.

به شوهرش خیانت نمی‌کرد)^۱. منظور از حدیث این است که حوا آدم را به مخالفت فرمان پروردگار و خوردن از ثمر درخت تشویق و ترغیب کرد، و مراد از خیانت زنا کردن نیست، و ریشه آن بخاطر شومی گناه در دخترانش باقی ماند.

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: «هنگامی که خداوند آدم را آفرید بر پشت وی دستی کشید و نسل هر فردی از فرزندان او تا روز قیامت خارج شد، و بر پیشانی هر فردی ذره‌ای نور قرار داد، سپس آنها را به آدم نشان داد، آدم گفت: پروردگارا! آنها کی هستند؟ گفت: فرزندان هستند، آدم مردی را دید نور پیشانی او را شگفت زده کرد، گفت: پروردگارا! این کیست؟ گفت: مردی از آخرین فرزندان است و نامش داود است، گفت: پروردگارا چند سال سن به او عطا کرده‌ای؟ گفت: شصت سال، گفت: پروردگارا! چهل سال از سن من به او عطا کن، و هنگامی که سن آدم تمام شد فرشته مرگ به نزدش آمد، آدم گفت: مگر چهل سال از سن من باقی نمانده است؟ ملک الموت گفت: مگر آن را به فرزندت داود نداده‌ای؟ پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: آدم انکار کرد پس فرزندان او انکار می‌کنند! و آدم خطا کرد، فرزندان او نیز خطا می‌کنند!»^۲.

آدم فراموش کرد که پروردگار او را از خوردن ثمر درخت نهی کرده است، و بخاطر شومی و بدی معصیت فراموشی نیز به فرزندان او سرایت کرد. و آدم و همسرش با خوردن ثمر درخت خطا کردند، و این خطا بخاطر شومی و بدی گناه به فرزندان او سرایت کرد، و آدم انکار کرد که چهل سال عمرش به داود داده است، و این انکار بخاطر شومی و بدی گناه به فرزندان او سرایت کرد.

۱- مختصر صحیح مسلم، «حدیث ۸۶۴، ص: ۲۱۹»، تألیف منذری.

۲- صحیح ترمذی، «۵۳/۳»، ناصرالدین البانی.

اولین گناه و نافرمانی که در زمین انجام گرفت.^۱

اولین گناه در زمین حسادت قایل به برادرش هابیل بود تا جای که او را بقتل رساند، اعمش از عبدالله بن مره از مسروق از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کسی در زمین کشته شود برخی از گناه آن بر گردن قایل است، چون او اولین کسی است که قتل را به راه انداخت.^۲

هر کسی به ظلم کشته شود برخی از گناه آن گریبان‌گیر قایل است، و این بخاطر شومی و بدی گناه است.



۱- کتاب ادب دین و دنیا، «۲۶۰»، تألیف ماوردی.

۲- کتاب صحیح بخاری، «۱۹۸/۱۲»، شماره حدیث «۶۸۶۷».

فصل اول:

اسباب گناه

گناهان اسباب و عواملی دارند که بصورت خلاصه چنانچه ابن قیم آورده است به سه چیز برمی گردد:

- ۱- وابستگی قلب به غیر خداوند، و آن منجر به شرک می شود.
 - ۲- پیروی از نیروی قهری، و آن منجر به ظلم کردن می شود.
 - ۳- پیروی از نیروی شهوانی، و آن منجر به فاحشه گری می شود.
- و عاقبت وابستگی به غیر خدا: شرک، و باور به خدای دیگر است.
- و عاقبت پیروی از نیروی قهری: قتل است.
- و عاقبت پیروی از نیروی شهوانی: زنا کردن است.

بدین سبب خداوند هر سه را در یک آیه چنین آورده است: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا﴾ (الفرقان: ۶۸).

«و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند؛ و انسانی را که خداوند خونس را حرام شمرده، جز بحق نمی کشند؛ و زنا نمی کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید».

و برخی از اینها باعث به وجود آمدن دیگری می شود، شرک آدم را به ظلم و فاحشه گری وامی دارد، چنانچه توحید و اخلاص آدم را از آن دور می دارد^۱.

به خدا سوگند این عاقبت تلخ ماست، تا جایی که سران کفر بر گردن مسلمانان بدون شفقت و مهربانی تسلط یافته اند، و هر فاجعه ای در گوشه گوشه جهان رخ می دهد مسلمانان نصیب بزرگی در آن دارند، «ولاحول و لا قوة إلا بالله العظیم» و

۱- کتاب الفوائد، تألیف ابن قیم جوزی، «ص: ۱۳۸-۱۳۹».

این - پناه به خدا - به خاطر شومی و بدی گناه می باشد.



فصل دوم: آثار گناه در گذشتگان

یوسف علیه السلام:

حسن از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: رحمت خدا بر یوسف اگر به آن زندانی نمی‌گفت: ﴿أَذْكُرُنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾ (یوسف: ۴۲). «مرا نزد صاحب (سلطان مصر) یادآوری کن!». این مدت در زندان باقی نمی‌ماند، سپس حسن گریه می‌کند و می‌گوید: ما هر گاه مشکلی رخ دهد دست به دامان مردم می‌شویم^۱.

یازده برادر یوسف و بنی اسرائیل که فرزندان آنها بودند:

و قصه آنها نسبت به برادرشان «یوسف» در قرآن مشهور است، و در آن قصه آمده است: ﴿أَحَبُّ إِلَيَّ أَيْنَانَا﴾ (یوسف: ۸). «یوسف در نزد پدرمان از ما محبوبتر است». و این حسادت آنها بود، و این حسادت به فرزندان آنها سرایت کرد، و سخن آنها: ﴿إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَفَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ﴾ (یوسف: ۷۷). «اگر او (بنیامین) دزدی کند، (جای تعجب نیست) برادرش (یوسف) نیز قبل از او دزدی کرد». و این تهمت و دروغ بود، و تهمت و دروغ به فرزندان آنها سرایت کرد، و

۱- کتاب الزهد، «ص ۱۰۳»، تألیف امام احمد، امام ابن تیمیه در تفسیر این آیه «اذکرنی عند ربک» می‌گوید: معنای سخن یوسف توکل نداشتن او بخدا نبوده است، چون یوسف گفته است: «إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ»، و گفته یوسف: ﴿أَذْكُرُنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾. (یوسف: ۴۲). «مرا نزد صاحب (سلطان مصر) یادآوری کن!». مانند قولش: ﴿أَجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾ (یوسف: ۵۵). «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم!» است، پس هنگامی که تقاضای ریاست می‌کند بخاطر مصلحت دینی، این خواست ریاستی نیست که از آن نهی شده، و آن گفته منافق توکل نیست، و منظور یوسف از این گفته: ﴿أَذْكُرُنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾. تنها خبر دادن به پادشاه بوده است تا آگاه شود و حق آشکار گردد، و یوسف از اولین توکل کنندگان بوده است»، فتاوی ابن تیمیه، ۱۵/ ۱۱۳-۱۱۴.

سخن آنها: ﴿اقْتُلُوا يُوسُفَ﴾ (یوسف: ۹).

«یوسف را بکشید».

آنها بخاطر نیل به اهداف و عملی کردن نقشه شوم به هر چیزی - گرچه کشتن یوسف هم باشد - متوسل شدند، و این رفتار ناپسند در فرزندانمان باقی ماند.^۱

و سخن آنها: ﴿وَتَحْفَظْ أَخَانَا وَنَزِدْ لَهُ كَيْلَ بَعِيرٍ﴾ (یوسف: ۶۵).

«و برادرمان را حفظ خواهیم کرد؛ و یک بار شتر زیاده‌تر دریافت خواهیم داشت».

این سخن ناشی از محبت ثروت‌اندوزی آنها بود و به نسل آنها بنی‌اسرائیل انتقال یافت، و آنها در مصر اقامت گزیدند، سپس زیر سلطه فرعون قرار گرفتند، و فرعون به آنها ظلم و ستم کرد و آنها را ذلیل و خوار نمود، و فرزندان آنها را کشت، و زنانمان را باقی گذاشت.

سپس خداوند موسی علیه السلام را به پیامبری برگزید تا بنی‌اسرائیل را از آن حقارت و ذلت نجات دهد، تا شاید که سپاس‌گذار باشند، و قصه عجیب و مفصلی - در آغاز با تکریم پروردگار به آنها - به وقوع می‌پیوندد: ﴿يَبْنَى إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (البقره: ۴۷). «ای بنی اسرائیل! نعمتهایی را که به شما ارزانی داشتم به خاطر بیاورید؛ و (نیز به یاد آورید که) من، شما را بر جهانیان، برتری بخشیدم».

و منظور از «فضلتکم» این است که خداوند پیامبران بسیاری را از بنی‌اسرائیل برگزید، و نعمت‌های فراوانی به آنها بخشید، و دشمن سرسخت آنها فرعون را در دریای نیل غرق کرد، و با وصف اکرام پروردگار، طلاجات و ثروت‌های مصریان را دزدیدند، و این کار بخاطر محبت ثروت‌اندوزی آنها بود.

۱ - به جنایاتی که یهودیان امروزه در جهان انجام می‌دهند بنگرید، هر جنایتی در جهان رخ دهد یهودیان به خاطر رسیدن به اهداف شوم خویش در آن دست دارند.

و شنیع‌تر از آن: هنگامی که از رود نیل عبور کردند و موسی عَلَيْهِ السَّلَام به دیدار پروردگار رفت آنها گوساله‌ای از طلا ساختند و آن را مورد پرستش قرار دادند! و بخاطر شوم بودن معصیت آنها تا روز قیامت مورد خشم پروردگار - به جز مؤمنان - می‌باشند، خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْوَجَلَ يُكْفَرِهِمْ﴾. (البقره: ۹۳). «و دل‌های آنها، بر اثر کفرشان، با محبت گوساله آمیخته شد».

و چون آن گوساله از طلا ساخته شده بود تا حالا محبت طلااندوزی در دلشان پابرجاست، تا جای که هم اکنون مشاهده می‌کنیم سرمایه‌داران و احتکارکنندگان بزرگ یهودی هستند.

و از صفات ناپسند آنها: عناد و نافرمانی و مخالفت با پیامبران بوده است. از جمله آن: هنگامی که به آنها دستور داده شد با سجده بردن وارد «باب» شوند و بگویند: «حطه: مغفرت» تا گناهان آنها آمرزیده شود و توبه‌شان مورد پذیرش قرار گیرد: ﴿فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ﴾. (الأعراف: ۱۶۲). «اما ستمگران آنها، این سخن (و آن فرمانها) را، بغیر آنچه به آنها گفته شده بود، تغییر دادند».

با مسخره گفتند: حنطه حنطه.

و از جمله آن: قصه گاو است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً﴾. (البقره: ۶۷).

«خداوند به شما دستور می‌دهد ماده‌گاو را ذبح کنید».

بخاطر شومی مخالفت و لجوجت آنها خداوند در طلب بر آنها سخت گرفت، و این صفت لجوجت به نوادگان آنها سرایت کرد.

و از جمله آن: قصه «اصحاب السبت» است بخاطر شومی «حیله و کید» آنها به میمون و خوک مسخ شدند.

و از جمله آن قصه: «من و سلوی» خوراک اهل بهشت، نعمتی که هر کس از آن می‌خورد سیر نمی‌شد، چون غذای روان و خستگی‌ناپذیر بود، و مزه و طعم آن

نسبی نبود، اما آن گاه بنی اسرائیل در طور سینا بودند بخاطر عادت به مخالفت و لجوجت نزد موسی رفتند و از او خواستند به جای «من و سلوی»^۱ نباتات از جمله خیار و سیر و پیاز و عدس را از خداوند درخواست نماید.

بخاطر شومی و نحسی گناه، خداوند آنها را در سرزمین مصر سکونت داد، و ذلت خواری را بر سر آنها آورد، و مورد خشم خدا قرار گرفتند، و در بین آنها و نوادگان گمراه آنها باقی ماند.

و از جمله آن: خداوند به آنها دستور داد که غذا را ذخیره نکنند و غذا در آن هنگام هر چند به مدت طولانی فاسد نمی‌گردید، لیکن بخاطر خو گرفتن بنی اسرائیل به لجوجت و مخالفت، غذا را ذخیره کردند، و از شومی و نحسی گناه از آن هنگام به بعد غذا فاسد می‌شود.^۲

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: «اگر بنی اسرائیل نبودند هرگز غذا خراب نمی‌شد و گوشت فاسد نمی‌گردید».^۳

شوم بودن فرعون برای خویش و خانواده و اطرافیانش:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ﴾ (غافر: ۴۵). «و عذاب شدید بر آل فرعون وارد شد!».

آنها در دنیا مورد لعنت خداوند قرار گرفتند، و حتی گنجینه‌شان - پناه به خدا - نیز مورد لعن قرار گرفت، و اگر کسی آن را بدست بیاورد شومی و نحسی لعنت او را فرامی‌گیرد^۴ و از آن هنگام گنجینه فرعون به «لعنت فرعونیان» معروف شد، و اما

۱- چون غذایی بهشتی بود.

۲- و احتیاج به یخچال و سردخانه برای نگهداری غذا نداشتیم، و آن زمان تاریخ نمو میکروب در فضا محسوب می‌شود.

۳- مختصر صحیح مسلم، «شماره حدیث ۸۶۴»، تألیف منذری با تحقیق البانی، «ص: ۲۱۹».

۴- یعنی لعنت پروردگار، چنانچه قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَنبَعَثْنَهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ﴾ (القصص: ۴۲). «و در این دنیا نیز لعنتی بدنبال آنان قرار دادیم: و روز قیامت». پس آنطور نیست که باستان‌شناسان می‌گویند: فرعون اموال و

در آخرت: خداوند می فرماید: ﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾ (۴۶: غافر).

«عذاب آنها آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می شوند؛ و روزی که قیامت برپا شود (می فرماید): آل فرعون را در سخت ترین عذابها وارد کنید!».

قوم صالح و شعیب و هود و نوح و لوط علیهم السلام:

اقوامیکه بوسیله - صیحه آسمانی یا باد سهمگین یا سنگ آسمانی - نابود و هلاک شدند، و از شومی گناه: در مملکت آنها کسی سکونت نمی گزیند، و از چشمه های آنجا آب نمی نوشند، و علوم و فنون سنگ تراشیدن و شناختن جاهای آب و معدن های زیرزمینی آنها مفقود گردید^۱.

گنجینه اش را طلسم کرده است و هر کس بدنبال آن باشد مورد لعن فرعون قرار می گیرد، بلکه آنچه از نوشته های هیر و غلیف و پس وی بدست آمده است علت عدم دسترسی به گنجینه ها لعنت خداست. این مصداق حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله است که می فرماید: «لا تدخلوا علی هؤلاء المعذین إلا أن تكونوا باکین، فإن لم تكونوا باکین فلا تدخلوا علیهم أن یصیبکم مثل ما أصابهم». رواه أحمد. بر اینان که مورد عذاب شده اند وارد نشوید مگر اینکه گریه کنان باشید، و اگر چنین نباشید بر آنها وارد نشوید که ممکن است شما هم مورد عذاب واقع شوید. و فرمان رسول الله صلی الله علیه و آله در باره با سرعت رفتن در وادی محسر که در بین مزدلفه و صحرای منی واقع است، چون در آنجا خداوند اصحاب فیل را هلاک کرد.

۱- و این کار امروزه از جهت علمی به (امواج ذاتی) یا نیروی کشفی معروف است و به سبب آن بر وجود آب و معدن و آثار باستانی از طریق نیروی جاذبه زمین و اشکال هندسی - که تا بحال علمی مجهول است، پی برده می شود. و امروزه جز آثار آن، و آن هم در دایره تنگی یافت نمی شود. و آن هم جز بخاطر شومی گناه و معصیت نیست. و به همین خاطر معجزه هر پیامبری با آن چه که قومش در آن توانایی داشته اند همانند بوده است. مثلاً قوم موسی علیه السلام در نیرو و عصای کشفی و سحر چیره دست بوده اند. ﴿فَأَلْقُوا جِبَالَهُمْ وَعَصِيَّتَهُمْ﴾. (الشعراء: ۴۴). «آنها طنابها و عصاهای خود را افکندند». پس عصای موسی = با معجزه به ازدهایی حقیقی تبدیل شد. و معجزه چشمه های روان خشک شدن دریا. و همچنین قوم عیسی علیه السلام در علم طبابت چیره دست بودند به همین خاطر معجزه عیسی علیه السلام زنده کردن مردگان - با اذن خدا - و شفای کوران و بیماران بوده است. و قوم صالح علیه السلام در تراشیدن کوهها چیره دست بودند و بر آن مجسمه ها می تراشیدند پس معجزه صالح بیرون آمدن آن شتر از دل کوه بوده است. و قوم پیامبر محمد صلی الله علیه و آله در شعر و بلاغت مهارت داشتند پس معجزه آن حضرت صلی الله علیه و آله قرآن است که تا روز قیامت با بلاغت عظیم و علوم فراوان آن ماندگار خواهد بود. که خود دلیلی بر ماندگار بودن علم و قرآن تا روز آخرت است.

و آثار و بقایای آنها دلیل بر آن است، و اثبات برتری شگفت‌انگیز آنهاست به شیوه‌ای که هم اکنون پیشرفته‌ترین دستگاه‌ها قادر به چنین سنگ‌تراشی نیست، و آنها به خویش ظلم کردند، و اولین نفری - که از گذشتگان - به این ظلم اعتراف کرد آدم علیه السلام بود و گفت: ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَسِرِينَ﴾ (الأعراف: ۲۳).

«پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم! و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود!».

و درباره آنها می‌گوید: ﴿فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (النمل: ۵۲). «این خانه‌های ویران شده آنهاست، و در آن عبرت و پند برای دانایان است».

راز عذاب همیشگی کافران در جهنم:

خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَفَّوْا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَلَيِّنَا نَرُدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (۲۷) بَلْ بَدَاهُمْ مَّا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا هُمْ عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۲۸﴾ (الأنعام: ۲۷-۲۸).

«کاش (حال آنها را) هنگامی که در برابر آتش (دوزخ) ایستاده‌اند، ببینی! می‌گویند: ای کاش (بار دیگر، به دنیا) بازگردانده می‌شدیم، و آیات پروردگارمان را تکذیب نمی‌کردیم، و از مؤمنان می‌بودیم! (آنها در واقع پشیمان نیستند، بلکه اعمال و نیاتی را که قبلاً پنهان می‌کردند، در برابر آنها آشکار شده (و به وحشت افتاده‌اند). و اگر بازگردند، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند باز می‌گردند؛ آنها دروغ‌گویانند».

در این دو آیه اندیشیدم، و خیلی تعجب کردم که چگونه کافران به جهنم افکنده می‌شوند، و مواجه سخت‌ترین عذاب می‌باشند، و بخاطر انجام دادن اعمال

نیک خواستار خروج از جهنم و بازگشت به دنیا می‌شوند، و خداوند عزیز و قهار درخواست آنها را نمی‌پذیرد: ﴿وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا هُمْ بِأَعْتَهُ﴾

«و اگر بازگردند، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند بازمی‌گردند».

و آنگاه که بدانید «ران: زنگاری» دل‌هایشان را پوشیده است و مانند سنگ جهنم بلکه سخت‌تر از آن شده است و هیچ نیکی در آن تأثیر ندارد شگفت‌زده نمی‌شوید، و بخاطر شومی و نحسی معصیت به سوخت و غذای جهنم تبدیل شده‌اند و با صورت به جهنم افکنده می‌شوند و در آن جاویدان هستند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ﴾ (البقره: ۲۴).

«هیزم آن، بدنهای مردم (گنهکار) و سنگها (بتها) است».

خداوند به آنها ظلم نکرد بلکه آنها به خویش ظلم و ستم کرده‌اند.

امام احمد و مسلم از حذیفه روایت می‌کنند که پیامبر ﷺ فرمودند: فتنه‌ها - مانند جای شاخه شاخه حصیر در بدن کسی که بر روی آن می‌خوابد - بر دل‌ها وارد می‌شود، و هر قلبی با آن آمیزش یابد نکته سیاهی در آن پیدا می‌شود، و هر قلبی با آن آمیزش نیابد نکته سفیدی در آن پیدا می‌شود، تا جاییکه آن قلب مانند سنگ سفید صاف می‌شود و هیچ فتنه‌ای در آن تأثیر نخواهد کرد تا آسمان و زمین پا برجاست، و قلب‌های دیگری مانند «مربد: شدت سفیدی همراه با سیاهی» کوزه وارونه شده، به غیر هوای و هوس نه خوبی را می‌شناسند، و نه از بدی دوری می‌کنند^۱.

۱ - صحیح جامع، تألیف البانی، «شماره حدیث ۲۹۶۰».

فصل سوم:

آثار گناه در امت محمد ﷺ:

مردی که به پیامبر ﷺ گفت با عدالت رفتار نکردی:

ابوسعید رضی الله عنه روایت می‌کند علی رضی الله عنه فرمودند: پس از اینکه پیامبر ﷺ مرا به یمن فرستاد و طلا و زیورآلاتی را به نزد پیامبر ﷺ آوردم، پیامبر ﷺ فرمودند: «آن را در بین اقرع بن حابس، و زید طائی، و عیینه بن حصن فزاری و علقمه بن علائه عامری تقسیم کن»، مردی چشم فرو رفته، پیشانی برجسته، سر تاس، برخاست و گفت: بخدا سوگند با عدالت تقسیم نکردی! پیامبر ﷺ فرمودند: «وای بر تو، اگر من عادل نباشم چه کسی عادل است، هدف من تشویق و ترغیب آنها بود» حاضرین به او هجوم بردند تا به قتلش برسانند، پیامبر ﷺ فرمودند: «رهاش کنید، از نسل این مرد در آخر زمان قومی دنیا می‌آید مسلمانان را می‌کشند و بت پرستان را رها می‌کنند، اگر آنها را بیابم مانند کشتار قوم عاد آنها را می‌کشم»^۱.

خوارج^۲ از سپاه علی بیرون آمدند و بخاطر شومی گناه پدرشان در گفتن «عادل نیستی» شکاف عمیقی در تاریخ اسلام ایجاد کردند.^۳

پنهان شدن لیلہ القدر:

در حدیثی پیامبر ﷺ می‌فرماید: ای مردم شب قدر را به من نشان دادند و از خانه بیرون آمدم تا آن را به مردم اعلام کنم، دو مرد آمدند و با صدای بلند باهم مشاجره می‌کردند و شیطان همراه آنها بود، و مشاهده آنها باعث گردید لیلہ القدر را

۱- کتاب السنة، تألیف ابوعاصم با تحقیق البانی، (ص: ۴۲۷، ۴۲۶).

۲- بنظرم «خدا می‌داند» علت زیاده‌روی حجاج در کشتار مردم خو گرفتن به این سخن بوده است.

۳- به این کلمه بنگر: یک کلمه بود ولی چطور نسل در نسل انتقال یافت و شوم بودن گناه همگی را فراگرفت، پیامبر ﷺ راست فرموده: انسان سخن زشتی را می‌زند و آن را ساده می‌گیرد چه بسا آن سخن باعث می‌شود هفتاد سال در جهنم سقوط کند.

فراموش کنم.^۱

و شب قدر بخاطر شوم بودن گناه - مشاجره - آن دو نفر پنهان گردید و از خیر بزرگی محروم شدیم، و کسی نمی‌داند شب قدر در چه شبی از شب‌های رمضان است.

شتر نفرین شده:

عمران بن حصین رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در مسافرتی، زن انصاری را سوار بر شتری دید، آن زن خشمگین شد و شتر را لعن و نفرین کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را شنید و گفت: «آن زن را از شتر پائین بیاورید و شتر را رها کنید، چون نفرین شده است». عمران می‌گوید پس از آن شتر را می‌دیدم در بین مردم می‌گشت و کسی به آن کاری نداشت.^۲

بخاطر شومی معصیت آن شتر تا هلاکت رها گردید! و انسان هر چیزی را نفرین کند - پناه به خدا - بر آن قیاس می‌شود.

دعای پیامبر صلی الله علیه و آله علیه طائفه مضر:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خدایا بر مضر سخت گیر، و بر آنها خشکسالی مانند دوران یوسف علیه السلام بیاور، در نتیجه قحطی و خشکسالی سختی به مدت هفت سال آنها را فرا گرفت تا جای که با شومی معصیت و دعای پیامبر صلی الله علیه و آله از گرسنگی قدید (گوشت خشک کرده و نمک سود) و استخوان می‌خوردند، و آن قحطی پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب رضی الله عنهم را نیز فرا گرفت، و با دعای پیامبر صلی الله علیه و آله، مجازات همه را فرا گرفت تا جایی که از گرسنگی سنگ را بر شکم می‌بستند.^۳

۱- مختصر صحیح مسلم، تألیف منذری، با تحقیق البانی، «شماره حدیث ۶۳۷، ص: ۱۷۰».

۲- مختصر صحیح مسلم، تألیف منذری، «ص: ۴۸۰-۴۸۱، شماره حدیث ۱۸۲۰».

۳- تأویل مشکل الحدیث، تألیف ابن قتیبه، «ص: ۲۳۳».

محروم بودن از باران:

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: (هوبره «نوعی پرنده» از ظلم ستمگر در لانه اش می میرد). مجاهد رضی الله عنه می گوید: (زمانی که باران قطع شود و خشکسالی باشد چهارپایان آدم های گناهکار را نفرین می کنند، و می گویند این بخاطر شومی گناه انسان است)، عکرمه رضی الله عنه می گوید: (حیوانات و حشرات حتی سوسک و عقرب ها می گویند: بخاطر گناه انسان ها از باران منع شده ایم).^۱

انس بن مالک می گوید: (سوسمار در لانه اش بخاطر گناه انسان از لاغری می میرد).^۲

ابن قیم می گوید: کیفر گناه خاتمه نمی یابد تا بی گناه را نیز فراگیرد!^۳

مجازات خداوند نیکوکار و بدکار را فرامی گیرد:

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً﴾ (الأنفال: ۲۵).

«و از فتنه ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی رسد؛ (بلکه همه را فرا خواهد گرفت؛ چرا که دیگران سکوت اختیار کردند)».

زینب رضی الله عنها می گوید: «ای پیامبر صلی الله علیه و آله آیا با وجود اینکه صالحان میان ما هستند نابود می شویم؟ فرمودند: آری اگر بدی و شرارت زیاد شود».

خداوند قوم نوح علیهم السلام را همگی اعم از کودکان و حیوانات بخاطر گناه مکلفان غرق کرد، و قوم عاد را با باد صرصر، و قوم ثمود را با صاعقه، و قوم لوط را با سنگ، نابود و هلاک کرد، و اصحاب السبت را به میمون و خوک مسخ کرد، و فرزندان آنها را نیز فراگرفت، اگر کسی بگوید چگونه خداوند بخاطر ستم گروهی

۱- جواب الکافی، تألیف ابن قیم، «ص: ۱۶».

۲- تأویل مشکل الحدیث، تألیف ابن قتیبه، «ص: ۲۳۳».

۳- جواب الکافی، تألیف ابن قیم، «ص: ۱۶» (مراد از بی گناه: حیوانات و حشرات است).

همگی را مجازات می‌کند در حالی که می‌فرماید: ﴿وَمَا أَنَا بِظَالِمٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ (ق: ۲۹). «و من هرگز به بندگان ستم نخواهم کرد».

در پاسخ، سخن - ایاس بن معاویه را نقل می‌کنیم که می‌گوید: از برخی علماء پرسیدم ظلم در کلام عرب یعنی چه؟ گفتند از کسی چیزی بگیرد که حق او نیست، گفتم پس هر چیزی از آن خداوند است، سپس انسان‌ها را بر نیت‌شان زنده می‌گرداند^۱.

گفته پیامبر ﷺ به صحابه: «از اینجا برخیزید»:

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: (به هنگام احضار مرگ پیامبر ﷺ برخی صحابه از جمله عمر بن خطاب رضی الله عنه نزد پیامبر ﷺ بودند، پیامبر ﷺ فرمودند: «کاغذ و قلم را بیاورید تا چیزی را برایتان بنویسم تا پس از من هرگز گمراه نشوید». عمر رضی الله عنه گفت: «ناراحتی پیامبر ﷺ زیاد شده است و قرآن در نزد شماست، و قرآن برای ما کافی است و پیامبر را اذیت نکنیم»^۲. حاضرین صدایشان را بلند کردند و با هم مشاجره کردند، برخی گفتند: نزدیک شوید تا پیامبر ﷺ چیزی را برای شما بنویسد که هرگز گمراه نشوید! و برخی دیگر مانند عمر فکر می‌کردند، وقتی که اختلاف و مشاجره زیاد شد پیامبر ﷺ فرمود: «از اینجا برخیزید و بیرون روید»^۳. عبيدالله می‌گوید: ابن عباس رضی الله عنهما گفت: (بدبختی، چه بدبختی بزرگی بخاطر

۱- تأویل مشکل الحديث، تألیف ابن قتیبه، «ص: ۲۳۶».

۲- عمر این سخن را بخاطر این گفت: چون به نظر وی امر برای وجوب نبود بلکه از باب ارشاد به اصلاح بود و بخاطر این بود که پیامبر ﷺ اذیت نشود و فرموده قرآن: ﴿مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (الأنعام: ۳۸). «ما هیچ چیز را در این کتاب، فرو گذار نکردیم». را در ذهن داشت. و هرکس گمان کند که عمر رضی الله عنه مانع نوشته رسول الله ﷺ شده است، خداوند را به ناتوانی، و پیامبر را به تقصیر و کوتاهی در تبلیغ متهم و توصیف کرده است، بلکه چنانکه اهل علم گفته‌اند دین خداود کامل است و این امر فقط برای تأکید و راهنمایی و ارشاد بوده است.

۳- صحیح بخاری، «۱۱۴، ۴۴۳۲، ۵۶۶۹، ۷۳۶۶»، صحیح مسلم، «۱۶۳۷، (۲۲)».

اختلاف و مشاجره و تنازع از نوشته پیامبر ﷺ محروم شدیم^۱.
 در حدیث آمده است: که اختلاف باعث محرومیت از خیر و برکت می شود.
 و این برخی از آثار شوم بودن گناه بر امت محمد ﷺ بود.



۱- کتاب الطب، تألیف امام نسائی، «ص: ۴۴» با تحقیق سامی تونی.

فصل چهارم:

کارهای بسیار خطرناکی که انسان متوجه آن نمی‌شود، بسیار شوم و زود رخ خواهد داد

نافرمانی پدر و مادر و قطع خویشاوندی:

پیامبر ﷺ می‌فرماید: (به پدر و مادر نیکی کنید، فرزندانان به شما نیکی می‌کنند).^۱

عیسی بن مریم علی‌ه‌السلام می‌گوید: (خوشا به حال مسلمان، خوشا به حالش، چگونه پروردگار فرزندانش را پس از وی محفوظ می‌دارد).^۲

انس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمودند: «هر کس دوست دارد روزیش فراوان، و عمرش طولانی باشد، صله رحم «خویشاوندی» را قطع نکند».^۳ این درباره کسی است که به پدر و مادر نیکی کند و صله رحم را برقرار نماید، اما کسی که نافرمانی پدر و مادر نماید و قطع خویشاوندی کند، وای بر وی، وای، بدی جوابش بدی است، چون هر کسی انگور بکارد انگور درو می‌کند، و هر کسی خار بکارد خار درو می‌کند، و هر طور رفتار کنید همان در زندگی به سراغت می‌آید، تا جای که گفته‌اند: «نیکی کردن به پدر و مادر به فرزندان می‌رسد».^۴

ابوهریره رضی‌الله‌عنه از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: (هنگامی که خداوند تمام خلائق را آفرید، «رحم» برخاست و گفت: این مقامی است که از قطع آن «رحم» به تو پناه برده می‌شود، خداوند فرمودند: آری، آیا راضی می‌شوید هر کسی تو را وصل کند وصلش کنم؟ و هر کسی تو را قطع کند قطعش کنم؟ گفت: آری،

۱- النوافخ العطرة، تألیف صفدی، «ص: ۸۶».

۲- کتاب الزهد، تألیف امام احمد، «ص: ۷۲».

۳- مختصر صحیح مسلم، «ص: ۴۷۰، شماره حدیث ۱۷۶۲»، تألیف منذری، با تحقیق البانی.

۴- فرموده پروردگار: ﴿وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا﴾ «كهف، آیه ۸۲»، بر آن دلالت می‌کند.

خداوند گفت: این حق توست).^۱

ابن جوزی رحمته الله می گوید: (یکی از اذیت کنندگان پدر و مادر، روزی پدرش را کتک زد و تا جای او را روی زمین کشید، پدرش به او گفت: کافیت، تا اینجا پدرم را روی زمین کشیده ام!)^۲.

تعجب نکنید اگر بسیاری از اذیت کنندگان پدر و مادر در عاقبت گمراه می شوند، چون اینها بدهکاری خود با رفتار بد پدر و مادر را بر می گردانند، و این فرموده خداوند را فراموش کرده اند: ﴿مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ (ق: ۱۸). «انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد مگر اینکه همان دم، فرشته ای مراقب و آماده برای انجام ماموریت (و ضبط آن) است». و این بخاطر شومی گناه است.

زنا کردن و مقدمات آن:

هر کسی - پناه به خدا - زنا کند یا برخی از مقدمات آن مانند عشق بازی و چشمک زنی انجام دهد، آثار شوم آن، خانواده و همسر و خواهر و مادر و دخترانش را فرامی گیرد، خداوند می فرماید: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّيْنَةَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ (الإسراء: ۳۲).

«و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است».

در کلمه ﴿وَلَا تَقْرَبُوا﴾ فکر کنید، خدا فرموده است: (ولا تقتربوا) تا جای که مقدمات زنا نیز عذاب بازدارنده ای داشته باشد، و این طرفی از شومی گناه زنا است.

و طرف دیگر آن با هم این حدیث شگفت انگیز را بخوانیم: عبدالله بن عمر بن

۱- مختصر صحیح مسلم، تألیف منذری، «ص: ۴۷۱» حدیث (۱۷۶۴).

۲- صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۹۱».

خطاب علیه السلام می گوید: با نه نفر از مهاجرین نشسته بودیم ناگاه پیامبر صلی الله علیه و آله رو به ما کرد و فرمود: «ای جماعت مهاجرین به خداوند پناه می برم که پنج خصلت هست شما را فرانگیرد^۱: زنا و فحشاء در بین هر ملتی علنی و آشکارا شود به طاعون و خشکسالی گرفتار می شوند که در گذشتگان سابقه نداشته است و غیره^۲». این حدیث بیماری های ناشی از بی اخلاقی و انحرافات جنسی را بیان می کند، و این بیماری ها دارای صفاتی هستند، در هیچ بیماری دیگری یافت نمی شود به شیوه ای که نشان می دهد این بیماری ها - پناه به خدا - مجازاتی الهی هستند.

از جمله آن مجازات ها:

۱- از بین رفتن قدرت طبیعی:

هنگامی که انسان به بیماری میکروبی مانند حصبه مبتلا می شود، و دارو برای وی تجویز شود، داروی ضد آن به خواست خدا باکتری آن را از بین می برد، ولی در بیماری های جنسی برعکس است، چون به محض بهبودی شخص از یک بیماری به دیگری مبتلا می شود.

۲- واگیر است:

باکتری بیماری های جنسی فقط دچار انسان و بر بدن وی زیست می کند، و در بدن حیوان زیست نمی کند، و بیشتر از طریق آمیزش جنسی انتقال می یابد، و گاهی از طریق آمپول و خون و آب دهان نیز انتقال می یابد، و این آثار شوم زناست!

۳- ویروس سفلیس، تمام دانشمندان جهان را متحیر کرده است:

بیشتر بیماری های واگیر قابل علاج و کشت در آزمایشگاه و بررسی و تحقیق هستند، اما ویروس بیماری های جنسی مانند ویروس زگیل جنسی و سفلیس غیر قابل علاج و کشت در آزمایشگاه است، و بخصوص جز موارد نادری از آن شناخته

۱- سنن ابن ماجه، «شماره ۴۰۱۹»، کتاب الحلیة، تألیف ابونعیم، «ص: ۳۳۳/۸» الأحادیث الصحیحة البانی شماره ۱۰۶.

۲- کتاب امراض الجنسیة عقوبة الهیة، تألیف دکتر عبدالحمید القضاة، ص «۱۳».

شده نیست. و پیچیدگی که در انواع این میکروب‌ها وجود دارد و همه از آن بی‌خبرند نشان دهنده آن است که مجازات الهی هستند: ﴿وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (الفتح: ۴).

«لشکریان آسمانها و زمین (لشکرهای حسی، لشکرهای معنوی و لشکرهای غیبی - اعم از فرشتگان، انسیان، جنیان، شیاطین و فرود آوردن آرامش روحی بر مؤمنان -) از آن خداست».

۴- قدرت استثنائی:

ویروس بیماری‌های آمیزشی خاصیتی دارد که در دیگر بیماری‌ها یافت نمی‌شود، برای نمونه ویروس سفلیس که بصورت مارپیچ و دارای دو نوک تیز است، در جهت ورود به جسم انسان قدرت شگفت‌انگیزی در سوراخ کردن اعضای تناسلی و جسم دارا می‌باشد، هنگامی که جسم سالم موادی روغنی را بعنوان مانعی طبیعی داراست و از ورود غبار و میکروب به بدن جلوگیری می‌کند و جسم را از میکروب‌ها مصون می‌دارد، میکروب‌ها از طریقی دیگر مانند دستگاه تنفسی و معده و روده‌ها همراه با تنفس و آب و غذا وارد بدن می‌شوند، ولیکن این موانع طبیعی جسم در برابر ویروس سفلیس ناکام است.

۵- کثرت و فراوانی:

آمیزش جنسی نامشروع گرچه یک بار هم باشد ممکن است منجر به سرایت و شیوع انواع بیماری‌ها شود، گاهی در یک دفعه احتمال دارد به پنج نوع بیماری برسد.

۶- پیشگیری:

علم پزشکی واکسن بیشتر بیماری‌های واگیر و مسری را کشف کرده است، اما بیماری‌های جنسی غیر قابل علاج است!

۷- انتشار متعدد:

کاری طبیعی است که بیماری‌های واگیردار از شخصی به شخصی دیگر در صورتی انتقال می‌یابد که مسبب آن وجود داشته باشد، ولیکن بیماری‌های آمیزشی از شخصی به دیگران بدون سبب انتقال می‌یابد، برای نمونه کسی که بیماری سفلیس دارد - پناه به خدا - این بیماری به فرزندانش از نظر خلقتی و در ضمن ولادت سرایت می‌کند، و همچنین شکنجه و آزار مادر و جنین را چند برابر می‌کند، و کسی که بیماری سوزاک دارد چشمان فرزندش را آنچنان می‌سوزاند تا کورش می‌کند.

۸- بیماری ایذر:

بیماری که مشهور به «از دست دادن بنیه جسمی» است، ایذر ویروسی است به سلول‌ها هجوم می‌برد و باعث سست شدن بنیه جسمی و ابتلا به انواع باکتری و انگل‌ها می‌شود و غده لنفاوی در دو طرف جسم ضخیم می‌کند، و همراه با آن وزن بدن کاهش می‌یابد، و لکه‌های قرمزی مانند خون‌مردگی در بدن پیدا می‌شود، و هفته‌ها به اسهال و سرفه شدید و تنگی نفس همراه با فراموشی و سستی و ضعف بدن و التهاب سینه و تب و عرق دائمی و سرطان پوستی مبتلا می‌شود.

عامل بیماری ایذر: آمیزش جنسی نامشروع، و گاهی هم جنس‌بازی، تزریق مخدرات، انتقال خون، از طریق جنین یا تزریق، یا شیردهی از طریق دهان می‌باشد، قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتِ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآخَرَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ (یس: ۱۲).

«به یقین ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آنها را می‌نویسیم؛ و همه چیز را در کتاب آشکار کننده‌ای برشمرده‌ایم».

ایذر^۱ کیفری الهی است هزاران هزار نفر را نابود کرده است، و تا امروزه علم

۱- و از بیماری‌های نابودکننده: (سرطان، سکت، خراب شدن کلیه، و می‌باشد، در واقع اگر رحمت پروردگار شامل مبتلا به سرطان نشود حکم به اعدام است، و عوامل آن: اشعه و آثار مخرب کارخانه‌ها و سوء تغذیه و عادات ناپسند و انحرافات و از

پزشکی راه علاجی برای آن نیافته است، بدون تردید این آثار شوم گناه است تا جای که انسان بی گناه نیز از طریق انتقال خون به آن مبتلا شده است!

بلاء موکل به سخن است:

پیامبر ﷺ می فرماید: «از بدبختی و گناه دیگران مسرور مباش و به قیافه و حرکات و سخنان دیگران مسخره نکن، شاید خداوند به او رحم کند و شفایش دهد و تو گرفتار و مبتلا کنی»^۱، و این بسیار مهم است شاید بسیاری به آن توجه نکنند، در روایت آمده: (هر کسی برادرش را بخاطر گناهی ناسزا گوید وفات نمی کند تا آن گناه را انجام دهد) ترمذی.

امام احمد رحمه الله می فرماید: از حسن رحمه الله شنیدم فرمود: (هر کسی برادرش را به گناهی که از آن توبه کرده است ناسزا گوید، خداوند او را به آن می آزماید)^۲.

ابن سیرین رحمه الله می گوید: «مردی را بخاطر ورشکستگی مسخره کردم، پس از آن خودم ورشکسته شدم!».

ابن جوزی رحمه الله می گوید: «شخصی گفت: مردی را بخاطر افتادن چند تا دنداننش مسخره کردم، پس از آن دندانهایم افتاد!»^۳.

از برخی سلف نقل شده: (اگر به سگی ناسزا گویم می ترسم به سگ تبدیل شوم).

به خدا سوگند این نتیجه آشکار و واضح ناسزاگویی و مسخره کردن، یا در

همه مهم تر شومی گناه است، خداوند می فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَأَتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (الأعراف: ۹۶). «و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم». کتاب الطب محراب الإیمان، تألیف دکتر خالص حلبی، «ص: ۱۲۴».

۱- ترمذی و طبرانی، کتاب تمییز الطیب من الحبیب، عبدالرحمن اثری، «ص: ۱۷۱»، الأذکار، تألیف امام نووی، «ص: ۵۴۲».

۲- کتاب الزهد، تألیف امام احمد، «ص: ۳۴۲».

۳- کتاب صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۹۱».

مسخره‌کننده، یا در فرزندانش است، و همه اینها به خاطر آثار شوم گناه است، و جز این دعا هیچ چیزی این بلا را دور نمی‌کند: (الحمد لله الذي عافاني مما ابتلاك به وفضلني على كثير ممن خلق تفضيلاً). پیامبر ﷺ می‌فرماید: (هر کسی این دعا را بخواند آن بلا او را فرامی‌گیرد).^۱

لعنت و آثار شوم آن:

لعنت و نفرین نکته بارز در بیشتر سخنان مردم است، و از بلاهای است که شمولیت پیدا کرده است، و این تأیید و مصداق این حدیث است که از پیامبر ﷺ پرسیدند: (سقارین) کی هستند؟ فرمودند: «مردمانی هستند که در آخر زمان وقتی که به هم می‌رسند به جای سلام کردن یکدیگر را لعنت و نفرین می‌کنند».^۲

به آثار شوم گناه در این حدیث بنگرید، ابودرداء روایت می‌کند پیامبر ﷺ فرمودند: «اگر کسی چیزی را نفرین نماید این نفرین به آسمان بالا می‌رود، درهای آسمان بر رویش بسته می‌شود، سپس به زمین باز می‌گردد، درهای زمین نیز بسته می‌شود، سپس به راست و چپ می‌رود، و چون جای را نمی‌یابد به کسی که نفرین شده - اگر مستحق آن باشد - برمی‌گردد و گرنه به گوینده آن برمی‌گردد».^۳

و آثار شوم این گناه منجر به محرومیت شخص از شهادت دادن و شفاعت کردن می‌شود، ابودرداء رضی الله عنه روایت می‌کند پیامبر ﷺ فرمودند: (لعنت‌کنندگان نباید بعنوان شفاعت‌کننده و شاهد پذیرفته شوند).^۴

شوم بودن گناه لعن شامل غیر عاقل نیز می‌شود، ابن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند: مردی باد را لعن و نفرین کرد، پیامبر ﷺ فرمود: «باد را لعن مکن، باد مأمور است.

۱- الفوائد، «ص ۲۵۷»، تألیف ابن قیم، سیر أعلام النبلاء، «۱/ ۴۹۶».

۲- أحمد، الطبرانی، الحاکم. ونگا: مجموع أخبار آخر زمان، «ص: ۱۲۹»، تألیف مشعلی.

۳- سنن أبی داود، با تحقیق البانی، «شماره حدیث ۴۹۰۵».

۴- روایت مسلم وأبوداود. صحیح سنن أبی داود، با تحقیق البانی، «شماره حدیث ۴۹۰۷».

زیرا هر کسی چیزی را لعن کند و آن چیز مستحق لعن نباشد به گوینده برمی گردد»^۱.

و از بزرگترین گناهان: لعن غیرمستقیم پدر و مادر است، چنانچه پیامبر ﷺ می فرماید: «کسی که به پدر کسی ناسزا می گوید او نیز پدر او را ناسزا می گوید، و به مادر کسی ناسزا می گوید او نیز به مادرش ناسزا می گوید»^۲، و نسبت دادن فسق و کفر به مسلمان نیز بر لعن قیاس می شود.^۳

وسواس بودن:

عامل وسوسه آثار شوم گناهان پیشین است، هنگامی که کسی از گناهان توبه می کند شیطان به نزد او می آید و فریبش می دهد و گناهان گذشته را به یادش می آورد تا از رحمت خدا مأیوس شود، و زمانی که مؤمن هتک حرمت پروردگار نکرده باشد شیطان نمی تواند او را وسوسه کند، چنانچه علی بن ابیطالب رضی الله عنه می گوید: «هیچ بلائی جز با گناه فروود نمی آید و هیچ بلائی جز با توبه برداشته نمی شود»^۴ و در قرآن می فرماید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَن كَثِيرٍ﴾ (الشوری: ۳۰).

«هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده اید، و بسیاری را نیز عفو می کند».

و جمله آن: این حدیث شگفت است: وهب بن منبه می گوید: خدای متعال -

۱- مختصر صحیح سنن أبی داود، با تحقیق البانی ۳/ ۹۲۷، «شماره حدیث ۴۱۰۱».

۲- مختصر صحیح بخاری، زبیدی، «ص: ۴۶۶»، شماره حدیث ۳۰۰۷.

۳- مختصر صحیح بخاری، «ص: ۴۶۹»، شماره حدیث ۲۰۳۰، در حدیث آمده «لا یرمی رجل رجلاً بالفسوق، و لا یرمی بالکفر إلا ارتدت علیه ان لم یکن صاحبه کذلک». «هرکس فرد دیگری را متهم به فسق یا کفر کند و او اینگونه نباشد فسق و کفر، به خودش بر می گردد».

۴- الفوائد، ابن قیم «ص: ۱۰۶».

در ضمن آنچه به بنی اسرائیل فرموده - می فرماید: (هنگامی که اطاعت شوم خشنود خواهم شد، و اگر خشنود شوم رحمت و برکت نازل می کنم، و و برکات من نهایی ندارد، و اگر نافرمانی شوم عصبانی می شوم، و اگر عصبانی شوم نفرین می کنم، و نفرین من به هفتمین نسل گناهکار می رسد)^۱.

و این حدیث مخالف این آیه قرآنی نیست: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ (الزمر: ۷).

«و هیچ گناهکاری گناه دیگری را بر دوش نمی کشد».

چون انسان بواسطه عاقبت شوم گناهش دوستان ناباب و راه معصیت و گمراهی را برای فرزندان و نوادگانش هموار می سازد، و در نتیجه حمایت و محافظت و پشتیبانی پروردگار شامل نوادگانش نمی شود: ﴿وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا﴾ (الكهف: ۸۲).

«و پدرشان مرد صالحی بود».

امان! امان از هر گناهی، چون شوم و نحسی گناه به هفتمین نسل انسان می رسد.



فصل پنجم: آثار گناهان بر انسان

- گناهان آثار ناپسند و مذمومی بر دل و جسم در دنیا و آخرت دارد، به جز خداوند کسی تعداد آن را نمی‌داند و از جمله آن:^۱
- ۱- محرومیت از علم: چون علم نوری است خداوند آن را در دل روشن کرده است، و گناه آن را خاموش می‌کند.
 - ۲- تنهایی است که شخص گناهکار در دل میان خود و پروردگار ملاحظه می‌کند و اصلاً همراه با لذتی نیست.
 - ۳- تنهایی است که عاصی در بین خود و مردم بخصوص صالحان و نیکوکاران احساس می‌کند.
 - ۴- دشواری کار: به هر دری می‌زند بر رویش بسته است یا با دشواری روبرو است.
 - ۵- تاریکی است که در دل احساس می‌کند، و دل و جانش با آن ناتوان می‌شود، و او را از اطاعت محروم می‌کند.
 - ۶- گناهان عمر انسان را کوتاه می‌کند، و «پناه به خدا» برکت عمر را تا ابد محو می‌کند.
 - ۷- گناهان تولیدمثل می‌کنند، و برخی گناه دیگری را می‌رویند، تا جای که بر انسان فایق می‌آید و انسان نمی‌تواند از آن جدا شود.
 - ۸- از ترسناک‌ترین اثر گناه بر انسان: این است اراده قلبی را سست می‌کند و گناه برتری می‌یابد و توبه کردن سست می‌شود.
 - ۹- دل و درونش با گناه خو می‌گیرد، به شیوه‌ای که گناه برایش عادی می‌شود و به گناه افتخار نموده و از آن دوری نمی‌کند.

۱- جواب الکافی، ابن قیم، «ص: ۵۴ تا ۱۰۷».

۱۰- شعله غیرت در دل را خاموش می‌کند، و حیا - اکسیر حیات دل - را از بین می‌برد.

۱۱- انسان را مورد نفرین پیامبر ﷺ قرار می‌دهد.

۱۲- محروم بودن گناهکار از دعای پیامبر ﷺ و ملائکه کرام که برای مؤمنان طلب آمرزش می‌کنند.

گناه باعث می‌شود تا پروردگار بنده‌اش را فراموش کند، و این فراموشی هلاکت است: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (۱۹). (الحشر: ۱۹).

«و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، (فرمانهای او را ترک کردند، یا از او نترسیدند) و خدا نیز آنها را به خودفراموشی گرفتار کرد (به سبب این که خدا را در آسوده‌حالی و نعمت فراموش کردند او نیز آنان را در سختی‌ها دچار خودفراموشی گردانید)، آنها فاسقاند».

اگر گناهان زیاد شود بر دل عاصی نقش می‌بندد، و جزو غافلان می‌شود: ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (المطففين: ۱۴).

«چنین نیست که آنها می‌پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته».

۱۳- و از کیفر گناهان: ترس و وحشتی است که خداوند در دل گناهکار قرار می‌دهد، چون فرمانبرداری قلعه محکم پروردگار است.

۱۴- انسان را در هنگام سختی و سیه‌روزی هراسان می‌کند، و بخصوص در هنگام مرگ عاقبت شوم دارد.^۱

آثار ترک گناهان در دنیا:

۱- الفوائد، تألیف ابن قیم، «ص: ۱۵۲، ۱۵۱».

ابن قیم می‌گوید:^۱ (برخی از آثار ترک گناه عبارتند از: زنده شدن مردانگی، حفظ ناموس، حفظ شخصیت و مقام، حفظ ثروت «خداوند ثروت را پایه مصلحت دنیا و آخرت قرار داده است»، محبت مردم، زندگی شایسته، آسایش جسمی، دل‌خوشی، آسودگی خاطر، دغدغه نبودن، بی‌خیالی از وحشت فاسقان و فاجران، فقدان غم و غصه، اطمینان دل از نبود ذلت، محافظت کردن روشنائی دل از نابودی تاریکی گناه، فزونی روزی به شیوه‌ای که قابل شمارش نیست، آسان بودن آنچه که بر فاسقان و گناهکاران سخت است، آسان بودن عبادات، آسان بودن یادگیری، نام نیکو در بین مردم، دعای خیر مردم برای وی، شیرینی و حلاوت در چهره، وقار و عظمت در دل مردم، مردم او را یاری می‌کنند، اگر اذیت شود یا مورد ظلم قرار گیرد مردم از او حمایت می‌کنند، و اگر کسی او را غیبت کند مردم از او دفاع می‌کنند، دعایش زود اجابت می‌شود، از بین رفتن وحشتی که در بین او و خداوند بوده است، نزدیکی فرشتگان به وی، دور شدن شیاطین جن و انسان از وی، رقابت مردم باهم در خدمت‌رسانی به او، و تقاضای مردم به نزدیکی و محبت وی، نهراسیدن از مرگ، بلکه با فرارسیدن مرگ خوشحال می‌شود چون به حضور و دیدار پروردگار می‌رسد، حقارت دنیا در درونش، عظمت آخرت در نزدش، حرص بر یافتن مقام شایسته و سرافرازی بزرگ در آخرت، چشیدن شیرینی عبادت، احساس شیرینی ایمان، دعای حاملان عرش و فرشتگان اطراف آن برای وی، خوشحالی کاتبان کردار او، و دعای خیر برای وی در هر حالی، افزایش در عقل و فهم و ایمان و شناخت وی، بدست آوردن محبت خداوند، توجه پروردگار به او، و خوشحالی پروردگار به توبه و بازگشت وی).

آثار ترک گناهان به هنگام مرگ:

فرشتگان به هنگام مرگ او را ملاقات نموده به او مژده می‌دهند که خداوند

۱- الفوائد، ابن قیم ص ۱۵۱-۱۵۲.

بهشت را برای او آماده کرده است، و می‌گویند غمگین و محزون مباش، و از زندان و تنگنای دنیا به باغی از باغهای بهشت انتقال می‌یابد و تا روز قیامت در آنجا در ناز و نعمت باقی می‌مانند.

آثار ترک گناهان در روز قیامت

هنگامی که روز قیامت می‌آید گرما و عرق مردم را فرامی‌گیرد، در حالی که آن شخص زیر سایه عرش قرار می‌گیرد و با اولیاء و متقین و رستگاران در دسته اصحاب الیمین قرار می‌گیرند: ﴿ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (الجمعه: ۴).

«این فضل خداست که به هرکس بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد، و خداوند صاحب فضل عظیم است»^۱.

خوشا به حال کسی که گناه را ترک می‌کند، و چنانچه حسن بصری رحمته الله می‌گوید: (ای آدم‌ها گناه ترک کردن از توبه کردن آسان‌تر است)^۲.



۱- الفوائد، تألیف ابن قیم، «ص: ۱۵۲».

۲- الزهد، تألیف امام احمد، «۲/ ۲۴۲».

فصل ششم: «توبه و شرایط آن»

توبه انسان با سه شرط پذیرفته می‌شود:

۱- ندم بر گناه.

۲- اقلاع از گناه.

۳- عزم بر بازنگشتن به گناه، و اگر توبه از حق دیگران باشد باید حق مردم را پس دهد، و باید توبه کردن پیش از فوت وقت و زمان باشد.

امام ابن قیم رحمته الله می‌گوید: (منظور از ندم: یعنی از گناهان پیشین پشیمان شود، و منظور از اقلاع: یعنی فوراً از گناه دوری کند، و منظور از عزم: یعنی تصمیم بگیرد در آینده باز نگردد).^۱ پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر انسانی خطاکار است و بهترین خطاکاران کسی است که توبه می‌کند».^۲

پس باید انسان فوراً اقدام به توبه نماید، امام غزالی رحمته الله می‌گوید: (چنانچه کسی که سمی بخورد و پشیمان شود باید فوراً اقدام به خارج کردن سم از معده کند، پس کسی که گناه «سموم دین» انجام می‌دهد شایسته‌تر است که فوراً از گناه دوری کند).^۳

حسن بصری رحمته الله می‌گوید: (اهتمام انسان به گناه او را وادار به ترک گناه می‌کند، و پشیمانی از گناه کلید توبه است، و انسان همچنان به گناه اهتمام می‌دهد تا جای که آن گناه از برخی نیکی‌ها برای او سودمندتر است).^۴

بکر بن عبدالله المزنی رحمته الله می‌گوید: (اعمال بنی‌آدم به آسمان بالا می‌رود، و اگر

۱- تهذیب مدارج السالکین، «ص: ۱۲۳».

۲- صحیح جامع صغیر، «۴۳۹۱». روایت أحمد در مسند، و ترمذی.

۳- إحياء علوم الدین، تألیف امام غزالی، «۴/ ۱۵۵».

۴- ذم‌الهی، تألیف ابن جوزی، «ص: ۱۰۳».

نامه عملی بالا رود و در آن استغفار باشد نامه اعمالش درخشان است، و اگر نامه عملی بالا رود و در آن استغفاری نباشد بصورت سیاه بالا می‌رود)^۱.

استغفار صفت مسلمان است، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مؤمن به مانند خوشه گندمی می‌ماند یک بار راست می‌ایستد و یکبار خم می‌شود، و کافر به مانند برنجی ماند تا خمیدگی راست ایستاده است و از خود خبری ندارد»^۲.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «ای مردم بسوی خدا بازگردید و توبه و استغفار کنید، من هر روزه یکصد بار توبه و استغفار می‌کنم»^۳. هنگامی که پیامبر ﷺ - در حالی که پروردگار گناهان گذشته و آینده او را بخشیده و عفو کرده است - در روز صد بار استغفار می‌کند، پس ما که در باتلاق گناه غرق شده‌ایم باید چگونه باشیم؟

ملاحظه کن چقدر پروردگار به توبه بنده‌اش - در حالی که نفع و ضرری به او نمی‌رساند - خوشحال است، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خدا از توبه بنده‌اش آنگاه که توبه می‌کند خوشحال‌تر از کسی است اگر در دشت فلاتی سوار بر شتری باشد، و شترش گم شود - در حالی که غذا و آب بر روی شتر باشد - و به دنبال آن بگردد و از آن مأیوس شود، و به کنار درختی می‌رود و در سایه آن دراز کشیده و منتظر مرگ می‌شود، و ناگاه چشم را باز می‌کند شترش را می‌بیند، و افسار آن را می‌گیرد، و در نهایت خوشحالی می‌گوید: «خدایا تو بنده من هستی، و من خدای تو هستم، و از شدت خوشحالی اشتباه می‌کند»^۴.

پس واجب است انسان فوراً توبه نماید، چون تأخیر توبه ذاتاً احتیاج به توبه دارد، ابن قیم رحمه الله می‌گوید: «به ندرت این، به فکر توبه‌کننده برسد، بلکه می‌پندارد: اگر هر زمانی توبه کند، گناهی بر وی باقی نمی‌ماند، در حالی که توبه‌ی تأخیر از

۱- ذم‌الهی، تألیف ابن جوزی، «ص: ۱۷۴».

۲- صحیح الجامع الصغیر، «۵/ ۲۰۰».

۳- صحیح مسلم، «۲۷۰۲».

۴- صحیح مسلم، «۲۷۴۷».

توبه، بر وی باقی می ماند^۱.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله می گوید: فکرم در خاطره ای، یا مسأله ای، یا چیزی دیگر و یا مشکلی متوقف می شود و نمی توانم آن را بدانم، در این حال هزار مرتبه و یا بیشتر و یا کمتر استغفار می کنم تا اینکه سینه ام به اینها گشاده شود و مشکل حل گردد، و ممکن است در این حال در بازار، یا مسجد، یا مدرسه، باشم، و هیچ چیز مانع نمی شود که ذکر و استغفار کنم تا مطلوبم را بیابم^۲.

و ترسناک ترین چیز بر انسان هوای نفس است، چون شخص را بی خبر هلاک می کند. در حدیث آمده که ابلیس گفته است: بنی آدم را با گناه نابود می کنم، و آنها مرا به استغفار و «لا إله الا الله» نابود می کنند، وقتی که درمانده و شکست خورده شدم هوی و هوس را در بین آنها می گسترانم، و چون می پندارند کار نیک انجام می دهند در نتیجه توبه و استغفار نمی کنند.

و آنچه آنها را از توبه کردن منع کرد، چنانچه یحیی بن معاذ رحمته الله می گوید: (آرزوی طولانی است، و نشانه توبه کننده: ریختن اشک، و محبت گوشه نشینی، و محاسبه نفس در هر تصمیمی است)^۳.

و اگر این نشانه وجود نداشته باشد استدراج است، عقبه بن نافع رحمته الله می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر کسی را دیدید که هر چه دوست داشت خداوند به او عطا می کند، و همچنان بر گناه باقی مانده، این نعمت ها استدراج است»^۴.

ابوموسی رضی الله عنه می گوید پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: (خداوند به ظالم مهلت می دهد تا او را می گیرد و اگر او را گرفت رهایش نمی کند، سپس این آیه را خواند: ﴿وَكَذَلِكَ

۱- تهذیب مدارج السالکین، تألیف ابن قیم، با تلخیص عبدالمنعم العزّی، «ص: ۱۵۷».

۲- تهذیب مدارج السالکین، تألیف ابن قیم، با تلخیص عبدالمنعم العزّی، «ص: ۱۵۷».

۳- ذم الهوی، تألیف ابن جوزی، «ص: ۱۷۴».

۴- صحیح جامع الصغیر، «۱/ ۵۷۵».

أَخَذُ رَيْكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَلِمَةٌ إِنَّ أَخَذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿١٠٢﴾ (هود: ۱۰۲).

«و اینچنین است مجازات پروردگار تو، هنگامی که شهرها و آبادیهای ظالم را مجازات می‌کند! (آری،) مجازات او، دردناک و شدید است»^۱.

پس لازم است توبه نصوح برای تمام اعضا بدن باشد، محاسبی رحمته الله می‌گوید:

(توبه چشم: خودداری از نگریستن نامحرم).

(توبه گوش: از شنیدن حرام).

(توبه دست: خودداری از گرفتن حرام).

(توبه پاها: خودداری از رفتن به سوی حرام).

(توبه شرمگاه: حفظ شرمگاه از زنا).

(و بدین‌سان تمام اعضا حتی عقل نیز توبه دارد، و توبه آن فکر نکردن حرام است، و زبان نیز توبه دارد، و توبه آن فرانخواندن به کردار زشت است)^۲.

گناهان مانع عبادت می‌شوند، چنانچه حسن بصری رحمته الله می‌گوید: (اگر توانائی شب‌بیداری و روزه‌داری نداشتنی بدانید که محروم هستید. حتماً خطا و گناهان تو را بند و زنجیر کرده‌اند)^۳.

عبدالله بن المبارک رحمته الله می‌گوید: (کسی که در تربیت نیکو سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از سنت مجازات می‌شود، و کسی در رعایت سنت سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از فرائض مجازات می‌شود، و کسی که به فرائض سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از شناخت و معرفت مجازات می‌شود)^۴.

اگر عبادت انجام داده باشید گناهان تو را از لذتش محروم می‌کند، از وهب بن

۱- الزهد، تألیف امام احمد، «ص: ۳۰».

۲- التوبه، تألیف محاسبی، «ص: ۵۲».

۳- النوافخ العطره، تألیف صفدی، «ص: ۸۶».

۴- تذکرة السامع والمتکلم، تألیف کنانی، «ص: ۶۸».

منبه رحمته پرسیدند: آیا کسی که گناه می‌کند لذت عبادت را احساس می‌کند؟ فرمود: (خیر^۱، حتی کسی که تصمیم به انجام گناه بگیرد نیز همینطور است).

امام احمد رحمته انسان را به هنگام گناه به کسی تشبیه می‌کند که در مرداب راه می‌رود، و با ترس قدم برمی‌دارد، ناگاه پایش فرو می‌رود، و غرق می‌شود، و به یارانش فرمود: (انسان همیشه به این صورت از گناه حذر می‌کند تا وقتی که در گناه افتاد، و اگر گرفتار گناه شد غرق می‌شود)^۲.

حذر! حذر! از گناهان صغیره، امام غزالی رحمته می‌گوید: (گناه کبیره‌ای که سپری شدنی باشد و به دنبال آن کبیره‌ای دیگری نیاید امید گذشت و عفو آن بیشتر از گناه صغیره‌ای است که انسان بر آن دوام داشته باشد، چون اگر آب بر سنگی بصورت قطرات همیشگی چکیده شود در آن اثر می‌گذارد، ولی اگر تمام آن قطره بصورت یک بار بر آن سنگ ریخته شود در آن اثری نمی‌گذارد)^۳، به همین سبب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «بهترین اعمال بادوام‌ترین آن است هر چند هم ناچیز باشد»^۴.

ابن قیم رحمته می‌گوید: (اصرار بر گناه کردن، گناه است، و به فکر ترک گناه نباشد، رضایت و تکیه بر گناه و دوام بر آن محسوب می‌شود، و این نشانه هلاکت اوست)^۵.

و معنای اصرار در اینجا چنانچه محاسبی رحمته می‌گوید این است: (شیرینی گناه در دل باقی بماند)^۶.

ماوردی رحمته می‌گوید: (خندانی که به گناه اعتراف می‌کند بهتر از گریه‌کننده‌ای

۱- صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۵۱».

۲- آداب الشرعیه، تألیف مقدسی، «ص: ۹۷/۱».

۳- احیاء علوم الدین، غزالی، «ص: ۱۹۵/۴».

۴- صحیح بخاری، «ص: ۶۴۶۵».

۵- تهذیب مدارج السالکین، تألیف ابن قیم، با تخلص العزی، «ص: ۱۲۳».

۶- التوبه، تألیف محاسبی، «ص: ۵۵».

است که بر پروردگار بی‌پروا است، و گریه‌کننده‌ای که بر گناه خویش پشیمان است
بهتر از خندانی است که اعتراف به لُهو می‌کند).^۱



۱- ادب دنیا و دین، تألیف ماوردی، «ص: ۱۰۵».

فصل هفتم:

پاک‌کننده‌های گناه

آگاه باش - خدا به ما و شما و هر مسلمانی رحم کند - برای دور ساختن آثار شوم گناه - چنانچه قبلاً ذکر کردیم - توبه محض کافی نیست، بلکه پاک‌کننده‌های می‌خواهد تا بصورت کامل پاک شود، مانند پاک کردن ظرفی که سگ آن را نجس کرده است!، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اگر سگ زبان خود را در ظرفی فروکرد (لیسید) آن را هفت بار بشوئید و برای بار هشتم آن را خاک‌آلود کنید»^۱.

ابن رجب می‌گوید: (موارد زیر گناه را پاک می‌کند:

توبه نصوح: قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (الزمر: ۵۳).

«خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است».

۱- استغفار: در حدیث آمده: «اگر شما گناه نکنید خداوند شما را از بین می‌برد و کسانی را بجای شما می‌آورد تا گناه انجام دهند، سپس از پروردگار طلب آمرزش کنند و پروردگار آنها را عفو نماید»^۲.

حسنات محوکننده: قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾. (هود: ۱۱۴).

«حسنات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می‌برند».

و از جمله آن کار نیک و صدقه است.

۲- دعای مؤمن برای مؤمن: مانند طلب استغفار مؤمن برای مؤمن و نماز بر جنازه، تا برایش شفاعت کنند..

۳- شفاعت پیامبر ﷺ: در حدیث صحیحی پیامبر ﷺ می‌فرماید: «شفاعت من

۱- مختصر صحیح مسلم، امام نووی، «شماره حدیث ۱۱۹، ص: ۴۱».

۲- مختصر صحیح مسلم، امام نووی، «شماره حدیث ۱۹۲۲، ص: ۵۱۱».

برای صاحبان کبیره از اتم است»^۱.

۴- مصیبت‌های که پاک‌کننده در دنیا هستند: «هیچ غم و مشکل و بیماری به کسی نمی‌رسد جز اینکه خداوند بواسطه آن گناهی از گناهان او را می‌آمرزد»^۲. به شرطی که بر آن صبر داشته باشد.

۵- رحمت و عفو پروردگار: بدون سببی و انجام کاری از طرف بنده. ابن رجب می‌گوید: (هر کسی این هفت چیز را فراموش کند کسی را جز خویش سرزنش نکند)^۳.

۶- خاک ریختن قبر: شیخ ابن تیمیه رحمته الله می‌گوید: (آنچه برای او از فتنه و فشار و ترس و سختی روز قیامت و ناراحتی در قبر رخ می‌دهد)^۴.

چگونه خود را از فکر گناه محافظت می‌کنید؟

ابن قیم رحمته الله می‌گوید^۵: موارد زیر شما را از فکر گناه محافظت می‌کند:

- ۱- یقین داشتن به اینکه خداوند آگاه و ناظر قلب و عمل و فکر شماست.
- ۲- حیاء و شرم از خدا.
- ۳- شرم از اینکه پروردگار در - خاکی که برای شناخت و معرفت خویش آفریده - فکر گناه را در آن از شما مشاهده کند.
- ۴- ترس از اینکه چنین فکری تو را از توجه و چشم خدا دور کند.
- ۵- ترس از اینکه چنین فکری محبت غیر خدا را در قلب ایجاد کند.
- ۶- ترس از اینکه چنین فکری تولیدمثل کند و شراره آن گسترده شود، و هر

۱- جامع الأصول، «۱۰/۴۷۶»، «شماره حدیث ۸۰۱۲».

۲- مختصر صحیح مسلم، «شماره حدیث، ص ۴۷۷».

۳- تسلیة أهل المصائب، «ص: ۲۵۰».

۴- الايمان الاوسط، تألیف ابن تیمیه، «ص: ۲۹-۴۳».

۵- طریق المهجرتین و باب السعادتین، تألیف ابن قیم، «ص: ۱۷۶، ۱۷۵».

چه ایمان و محبت خدا در دل است را بسوزاند.

۷- دانستن این که: فکر گناه مانند دانه‌های گندمی است که صیاد برای صید پرندگان روی زمین پخش می‌کند.

۸- دانستن این که: فکر پلید با فکر ایمان در یک قلب جمع نمی‌شوند، مگر اینکه یکی بر دیگری غالب می‌شود.

۹- دانستن این که: چنین فکرهای دریائی از دریای خیال است و ساحلی ندارد، و اگر وارد قلب شد غوطه‌ور و غرق می‌شود.

۱۰- دانستن این که: چنین فکری دره احمقان و آرزوی جاهلان است، و برای صاحبش جز پشیمانی چیزی بدنبال ندارد.

هنگامی که در چنین فکرهای - خدا نکرده - غرق شدی، به این قصه درباره انوشیروان - پادشاه فارس - گوش فرادهید:

روزی انوشیروان به قصد شکار از شهر بیرون رفت و شتابان پیش رفت، و از لشکر دور شد، و سخت تشنه شد، و به باغی رسید و وارد باغ شد، و کودکی آنجا بود به او گفت: ای پسر اناری به من بده، اناری به او داد، و انار را باز کرد و دانه‌های آن را خارج و فشار داد، آب زیادی از آن خارج شد و نوشید، آن انار او را شگفت‌زده کرد، تصمیم گرفت باغ را از صاحب آن بگیرد، سپس به کودک گفت: انار دیگری بده، و اناری دیگر به او داد، انار را فشار داد، آب ناچیزی از آن بیرون آمد و آن را نوشید و مزه تلخی داشت! انوشیروان گفت: ای پسر چرا انار این طور است؟ گفت: شاید پادشاه مملکت تصمیم به ظلم گرفته است و بخاطر شوم بودن ظلم انار این طور شده است، انوشیروان در دل از چنین تصمیمی پشیمان شد و توبه کرد، و به کودک گفت: انار دیگری بده، و اناری به او داد، انوشیروان مشاهده کرد که از انار نخستین بهتر است! گفت: ای پسر این چرا؟ گفت: شاید پادشاه مملکت توبه کرده باشد!

فخر رازی بر این قصه تعلیق گذاشته و گفته است: البته نام انوشیروان در دنیا به

عدالت باقی مانده است حتی برخی از پیامبر ﷺ روایت می کنند که فرموده اند: «در زمان پادشاه عادل به دنیا آمده است»^۱.

امان! امان از گناه، بخصوص گناه خلوت نشینی، ثوبان ﷺ از پیامبر ﷺ روایت می کند که فرمودند: «برخی از امتم را می شناسم در روز قیامت اعمالی نیک مانند کوههای تهامه را با خود می آورند، خداوند آن را نابود می کند». ثوبان ﷺ گفت: یا رسول الله آنها را معرفی کن؟ کی هستند؟ نکند ما از آنها باشیم و بی خبریم، پیامبر ﷺ فرمود: «آنها برادران شما و هم جنس شما هستند، و آنچه شما در آشکار انجام می دهید آنها نیز انجام می دهند، ولی اگر در خلوت قرار می گیرند مرتکب گناه و معصیت می شوند»^۲.

ابودرداء ﷺ می گوید پیامبر ﷺ فرمودند: (انسان باید از نفرین قلبی مؤمنان - در حالی که بی خبرست - بیمناک باشد! سپس گفت: آیا می دانید چه کسی؟ عرض کردم خیر، فرمود: انسان در خلوتگاه گناه انجام می دهد، پروردگار کینه او را - در حالی که بی خبر است - در دل مؤمنان قرار می دهد)^۳.

بدین سبب ابن جوزی رحمه الله می گوید: «آگاه باش: از جمله بزرگترین بدبختی ها گول خوردن به سلامتی پس از گناه است، چون کیفر واقع می شود، و از بزرگترین کیفر و مجازات این است که انسان بی خبر است: در حالیکه گناه در ریشه دین و دل ها اثرگذار است - پناه به خدا -».



۱- تفسیر رازی، «۱/۲۴۴».

۲- به روایت ابن ماجه، «ج ۲، شماره حدیث ۱۴۱۸».

۳- جواب الکافی، تألیف ابن قیم، «ص: ۴۷».

فصل هشتم:

کیفر و عقاب گناه - گرچه پس از مدتی هم باشد - واقع می‌شود:

تردیدی نیست که جزای عمل چه نیک، چه بد واقع خواهد شد، و از جمله گول‌خوردگی این است که گناهکار می‌پندارد چون مجازاتی ندیده آمرزیده شده است، و چه بسا مجازات پس از مدتی، یا در آخرت واقع می‌شود، و به ندرت کسی گناهی کرده باشد و مجازات نشده باشد، پس لازم است! انسان مواظب کیفر گناه باشد، چون به ندرت از آن رهایی می‌یابد، و باید فوراً اقدام به توبه نماید، در روایت آمده: (هیچ چیزی زود به چیزی دیگر مانند حسنه جدید به گناه قدیمی الصاق نمی‌شود). و همراه با توبه گناهکار باید از مجازات پیش‌بینی شده بیمناک باشد، خدا با شفاعت توبه پیامبران پیشین را پذیرفت، آدم عَلَيْهِ السَّلَام می‌گوید: گناه، و ابراهیم و موسی عَلَيْهِمَا السَّلَام می‌گویند: گناه.

اگر کسی بگوید این آیه: ﴿مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ﴾ (النساء: ۱۲۳)¹.

«هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می‌شود».

مقتضی این است که از گناهکار چشم‌پوشی نمی‌شود، در حالی که می‌دانیم توبه مورد پذیرش قرار می‌گیرد، و از خطا گناهکار چشم‌پوشی می‌شود، پس چه جوابی دارد؟

دو جواب داده‌اند: ۱- این آیه بر گناهکاری حمل می‌شود که بر گناه مصر بوده و توبه نکرده باشد، چون توبه ماقبلش را پاک می‌کند.

۲- به صورت اطلاق است (و این نظر ابن جوزی است، و قابل توجیه است) و ابن جوزی دلیل نقلی و عقلی آورده است.

دلیل نقلی: هنگامی که این آیه نازل شد ابوبکر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفت: ای پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آیا به هر گناهی مجازات می‌شویم؟ پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «آیا بیمار نمی‌شوی، آیا

۱- صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۹۱، ۳۹۲».

غمگین نمی شوی، آیا سختی طاقت فرسا نداشتی؟ این کیفر شما بوده است». دلیل عقلی: هنگامی که مؤمن پشیمان شود و توبه نماید افسوس او در هر لحظه بر گناه از هر مجازاتی سخت تر است، پس وای بر کسانی که تلخی مجازات دائمی را می شناسد، و لذت لحظه ای گناه را برمی گزینند!

اغفال شدن به رحمت خداوند جهل است:

برخی مردم به رحمت خداوند اغفال می شوند، و تنها رحمت خداوند را مشاهده می کنند، و فراموش می کنند که خداوند (شدیدالعقاب) است. ابوعمر و بن العلاء می گوید: فرزند دق به نزد جماعتی که باهم درباره رحمت خداوند گفتگو می کردند نشست، و فرزند دق از همه آنها امید و رجاء بیشتر داشت، به او گفتند: چرا به زنان پاکدامن تهمت می زنید؟ گفت: به من بگوئید اگر مانند نافرمانی پروردگار با پدر و مادرم انجام دهم آیا فکر می کنید آنها از ته دل دوست داشته باشند مرا به تنور مملو از آتش بیاندازند؟ گفتند: خیر، بلکه تو را عفو می کنند. گفت من به رحمت پروردگار از پدر و مادر بیشتر امیدوارم! ابن جوزی در تعلیقی بر این قصه می گوید: این نادانی محض است، چون رحمت پروردگار بشیوه لطافت و ملایمت قلبی نیست، و اگر این طور بود پرنده ای ذبح نمی گردید، و بچه ای نمی مرد، و کسی وارد جهنم نمی شد، اشتباه فرزند دق از دو جهت است:

۱- فرزند دق فقط به جانب رحمت توجه کرده، و به عقاب و کیفر توجه نکرده است.

۲- فراموش کرده که رحمت فقط برای توبه کنندگان است چنانچه قرآن

می فرماید: ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ﴾. (طه: ۸۲).

«و من برای کسی که توبه کند بسیار آمرزنده هستم».

و در آیه دیگر: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ﴾ (الأعراف: ۱۵۶).

«و رحمت و مهربانی من شامل هر چیزی است و کسانی که تقوا پیشه کنند رحمت من برای آنها حتمی و مخصوص آنهاست».

و امروزه اگر جوانی مرتکب گناهی می‌شود از برخی مردم شنیده می‌شود که می‌گویند: آنها جوان هستند، و خدا آمرزنده و مهربان است، و فراموش می‌کنند: که خدا شدیدالعقاب است.



فصل نهم:

راه رهایی از گناهان شوم

درباره شوم بودن گناه و آثار مخرب آن بر فرد و جامعه بحث کردیم، و این به معنای ناامیدی از رحمت خدا نیست، بلکه بیدار کردن بر خطرات گناه و رابطه دائمی با پروردگار است.

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به نقل از پروردگار (در حدیث قدسی) فرمودند: «بندهام گناهی کرد سپس گفت: خدایا مرا عفو کن، خداوند می‌فرماید: بندهام گناه کرد و می‌داند خدایی دارد و مجازات می‌کند، و او را می‌بخشد، سپس دوباره گناه می‌کند و می‌گوید: خدایا مرا عفو کن، خداوند می‌فرماید: بندهام گناه کرد و می‌داند خدای دارد و مجازات می‌کند، و او را می‌بخشد، سپس دوباره گناه می‌کند و می‌گوید: خدایا مرا عفو کن، خداوند می‌فرماید: بندهام گناه کرد و می‌داند خدای دارد و مجازات می‌کند، و او را می‌بخشد، خداوند می‌فرماید: آنچه می‌خواهید انجام بده تو را بخشیدم»^۱.

معنای حدیث این است جز گمراهان کسی از رحمت خدا ناامید نمی‌شود، و انسان هر چه گناه انجام داده باشد نباید از رحمت خداوند مأیوس باشد، و ارتباط و ذکر همیشگی پروردگار سبب عفو و بخشش گناهان است، و یکی از صفات پروردگار (غفور و تواب) است، و در آن دو صفت دلالت بر وسعت رحمت و مغفرت پروردگار است، ولیکن باید انسان عاقل همیشه از گناهان بیم داشته باشد، هرچند هم توبه کرده باشد، چون اطلاعی از پذیرش توبه ندارد.

ابن جوزی رحمته الله می‌گوید^۲: (بسیاری مردم را دیده‌ام به پذیرش توبه اطمینان و باور کرده‌اند و گویا یقین دارند، و این جز خدا کسی نمی‌داند، سپس اگر توبه مورد

۱- مختصر صحیح مسلم، «شماره حدیث ۱۹۳۵، ص: ۵۱۴».

۲- صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۳۰، ۳۳۱».

پذیرش واقع شده باشد، خجالت از انجام گناه همیشه ماندگار است، و ترس پس از توبه مورد تأیید است، چنانچه در صحاح آمده: مردم به نزد آدم عليه السلام می روند، آدم می گوید: گناه، و به نزد نوح، ابراهیم، عیسی عليه السلام می روند، و همگی می گویند: گناه.

گناه پیامبران در واقع گناه نیست، و با وصف آن توبه کرده اند و پوزش طلبیده اند، و پس از آن هم بیمناک بوده اند، و خجالت پس از توبه از بین نمی رود، چه زیباست فرموده فضیل بن عیاض رحمته الله: «چقدر شرمسارم از تو ای خدایا، هر چند مرا ببخشید، به خدا سوگند بدبختی برای کسی است که گناه می کند و لذت لحظه ای را برمیگزیند، چون گناه حسرتی بجا می گذارد، هر چند هم مورد عفو قرار گیرد، هیچ وقت از دل انسان جدا نمی شود»^۲.

هنگامی که انسان از گناه کردن بیمناک باشد، و عمل نیک و حسنات محوکننده گناه انجام دهد، گناهان پیشین او باعث ورودش به بهشت می شود: اما چگونه است؟ ابراهیم بن ادهم در تفسیر این آیه: ^۳ ﴿وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾ ﴿۴۶﴾ (الرحمن: ۴۶).

«و برای کسی که از ایستادن در پیشگاه پروردگارش ترسیده (و به اوامر و نواهی او عمل کرده)، دو باغ بهشتی است!».

می فرماید: (اگر بخواهد گناهی انجام دهد از ترس خدا پرهیز می کند)، حسن رحمته الله می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: (انسان گناهی انجام می دهد و بواسطه آن خداوند او را به بهشت وارد می کند، صحابه گفتند: ای پیامبر خدا چگونه وارد بهشت می شود؟ فرمود: در برابر چشمش (گریزان و توبه کنان) است تا او را به بهشت وارد

۱- این نظر ابن جوزی درباره عیسی عليه السلام درست نیست، چون در صحاح گناهی از عیسی ذکر نکرده است.

۲- صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۳۱».

۳- الزهد، امام احمد، «ص ۴۳۷».

می‌کند)^۱.

عرض سعید رحمته الله کردند: عابدترین انسان کیست؟ گفت: (کسی است مرتکب گناه شده است و هر گاه گناهش را به یاد می‌آورد عملش را ناچیز می‌شمارد)^۲. پس اگر خواستی از گناهان رهایی یابی خود را به استغفار تسمک جو، و اعمال نیک انجام بده، و از گناهانت بترس، و از خدا خاتمه نیکو آرزو کن. و با این قصه بحث را به پایان می‌برم: سفیان ثوری رحمته الله شبی تا صبح گریه کرد، و هنگامی که صبح شد کسی به او گفت: آیا این همه بخاطر ترس از گناه است؟ کاهی را از زمین برداشت و گفت: گناه از این آسان‌تر است، بلکه من بخاطر عاقبت و پایان بد گریه می‌کنم: ابن قیم رحمته الله در هامش این قصه می‌گوید: (این نهایت دانش است که انسان بیم داشته باشد گناه در هنگام مرگ او را بدبخت کند، و عاقبت نیکو را به عاقبت بد تغییر دهد)^۳.

۱- الزهد، امام احمد، «ص: ۴۷۴».

۲- الزهد، امام احمد، «ص: ۴۶۴».

۳- النوافخ العطره، صفدی، «ص: ۸۶».

فصل دهم:

گناهانی که باید از آن پرهیز شود، و پیامبر ﷺ در حدیث صحیح از آن نهی فرموده است

- ۱- تکبر: کسی که به اندازه ذره‌ای تکبر در دل داشته باشد وارد بهشت نمی‌شود.
- ۲- ریا: کسی که خود را در بین مردم بزرگ جلوه دهد خداوند در قیامت او را شرمسار می‌کند، و هر کس ریا نماید خداوند اسرارش را فاش می‌کند.
- ۳- طلب علم بخاطر دنیا: اگر کسی علمی یاد بگیرد - و از علومی باشد که بخاطر خشنودی رضایت خدا بکار رود - و هدف از یادگیری آن، بدست آوردن دنیا باشد، بوی خوش بهشت را استشمام نمی‌کند.
- ۴- عمل برای مردم: خداوند می‌فرماید: من از هر کسی به شرک بی‌نیازترم، هر کسی کاری برای من انجام بدهد و غیر من نیز منظورش باشد او را با شرکش تنها می‌گذارم.
- ۵- ترک نماز عصر و جمعه: «هر کسی نماز عصر را ترک کند عملش بیهوده می‌ماند». «هر کسی سه جمعه را از روی سهل‌انگاری ترک کند خداوند مهر بر قلبش می‌زند».
- ۶- کوتاهی در نماز: «پیمان بین ما و کافران نماز است، هر کس آن را ترک نماید کافر است». «مرز بین کفر و شرک ترک نماز است».
- ۷- منع زکات: صاحب طلا و نقره‌ای که زکات آنرا نپردازد، روز قیامت ورقه‌های آهنی را در آتش جهنم گداخته شده و بر جنب و پیشانی و کمرش می‌کشند، هر وقت سرد شد بار دیگر بر او کشیده می‌شود، در روزی که مدت آن پنجاه هزار سال است، تا اینکه بین خلائق حساب و قضاوت شود، و ببیند که او از اهل آتش است یا از اهل بهشت.

- ۸- جاسوسی: کسی که به سخن مردم گوش فرادهد - در حالی که دوست ندارند یا از او دوری می‌کنند - در روز قیامت فولاد گداخته به گوشش می‌ریزند.
- ۹- نمائی: «نمائم وارد بهشت نمی‌شود» نمائم: سخن چین است.
- ۱۰- غیبت: «نام بردن کسی به چیزی است که دوست ندارد» پیامبر ﷺ می‌فرماید: «در شب معراج جماعتی را دیدم ناخن‌های فولادی داشتند و با آن صورت و سینه خود را می‌شکافتند، گفتم: ای جبرئیل اینها کی هستند؟ گفت: اینها کسانی هستند که گوشت مردم را می‌خوردند - کنایه از غیبت - و بدگوئی آبرو و حیثیت دیگران می‌کردند».
- ۱۱- نفرین کردن: «نفرین کردن مؤمن مانند کشتن وی است». «نفرین‌کنندگان در روز قیامت نمی‌توانند شفاعت‌کننده و شاهد باشند».
- ۱۲- حسادت: از حسد ورزیدن پرهیز کنید چنانچه آتش هیزم را می‌سوزاند، حسادت نیز حسنات را نابود می‌کند.
- ۱۳- تکفیر مسلمان: هر کسی به برادر مسلمانش بگوید: ای کافر، این کلمه به یکی از آنها برمی‌گردد، اگر آن شخص کافر باشد به او برمی‌گردد، و در غیر این صورت به گوینده برمی‌گردد.
- ۱۴- ترساندن مؤمن: «برای هیچ مسلمانی جایز نیست مسلمانی را بترساند» اگر کسی آهن یا چیز برنده‌ای را رو به برادر مسلمانش بگیرد، تا دست از آن کار برمی‌دارد فرشتگان او را نفرین می‌کنند.
- ۱۵- افشاء راز: پست‌ترین انسان در روز قیامت کسی است که با همسرش خلوت می‌کند و سپس رازهای بین هم را نزد کسی بازگو می‌کند.
- ۱۶- ربا و سود: پیامبر ﷺ رباخوار و ربادهنده را لعن فرمودند: «اگر کسی با علم و آگاهی یک درهم رباخواری کند شدیدتر از ۳۶ زناست».
- ۱۷- عادت به شراب: پنج دسته وارد بهشت نمی‌شوند: کسی که به

شرابخواری عادت گرفته است، کسی که به سحر باور دارد، کسی که صله رحم را بیجا نمی‌آورد، کاهن، منت‌گذار.

۱۸- از خانه بیرون رفتن زنی که خود را عطرآگین کرده است: هر چشمی زنا می‌کند، اگر زنی خود را عطرآگین نماید و از کنار جمعی - مرد - عبور نماید زناکار است.

۱۹- نظر حرام: خدا بر انسان در هر چیزی زنایی قرار داده است، و خواهه یا نخواهد آن را می‌یابد، زنای چشم تماشای نامحرم است، و زنای گوش شنیدن حرام است، و زنای زبان سخن حرام است، و زنای دست‌ها قلب هوس و آرزو می‌کند، و شرمگاه گاهی آن را تأیید، و گاهی رد می‌کند.

۲۰- خلوت با زن نامحرم: هیچ کدام از شما با زنی نامحرم خلوت نکند. چون نفر سومی آنها شیطان است.

۲۱- هم‌جنس‌بازی (لواط): «خدا کسی را که عمل قوم لوط انجام می‌دهد نفرین کرده است». «اگر کسی را یافتید که عمل قوم لوط را انجام داد هم فاعل و هم مفعول را به قتل برسانید».

۲۲- زنا کردن: «... با آنها رفتم خانه‌ای را دیدم بر روی تنوری ساخته بودند از طرف بالا تنگ و از طرف پائین واسع بود، و آتش در آن افروخته بودند، و مردان و زنانی لخت در آنجا بودند، هنگامی که آتش شعله‌ور می‌گردید از آنجا بلند می‌شدند تا جای که نزدیک بود خارج شوند، و اگر خاموش می‌گردید دوباره برمی‌گشتند، پرسیدم: آنها کی هستند؟ «سپس گفت: آنهایی که در تنور دیدی؛ زناکاران هستند».

۲۳- تشبه مرد به زن و بالعکس، و همچنین تشبه به کافر: «پیامبر زنایی که خود را به صورت مردان درمی‌آورند و مردانی که خود را به صورت زنان درآورند لعن و نفرین کرده است». «هر کسی شبیه قومی شود از جمله آنهاست».

۲۴- خال کوبی و پیوند مو: خداوند پیونددهنده، مو و کسی که خواستار آن است، و کسی که خال می‌کوبد، و کسی که خواستار خال‌کوبی است را لعن کرده است.

۲۵- ازدواج بدون ولی: هر زنی بدون اجازه ولی و سرپرستش ازدواج کند ازدواجش باطل است، ازدواجش باطل است.

۲۶- نسبت دادن فرزند به غیر پدرش: کسی که با علم و آگاهی ادعا کند که فرزند پدرش نیست بهشت بر وی حرام است.

۲۷- رفتار نکردن به علم و دانش: مردی را در روز قیامت می‌آورند و در آتش افکنده می‌شود و روده‌هایش بیرون می‌آید، و در میان روده‌هایش مانند چرخیدن الاغ در آسیاب دور می‌زند، و جهنمیان بر او جمع می‌شوند و می‌گویند ای فلانی چرا این طور هستی؟ مگر تو نبودی که ما را امر به معروف و نهی از منکر می‌کردی؟ پاسخ می‌دهد من شما را امر به معروف می‌کردم و خود انجام نمی‌دادم، و شما را نهی از منکر می‌کردم و خود انجام می‌دادم.

۲۸- کتمان و پنهان کردن علم: کسی که از او چیزی بپرسند و با وصف آگاهی جواب ندهد در روز قیامت لگام آتشین در دهانش می‌گذارند.

۲۹- دروغ بر پیامبر ﷺ: «دروغ بستن بر من مانند دروغ بستن بر هیچ کسی نیست، هر کسی عمداً بر من دروغی ببندد جایگاه خویش در آتش را آماده کند.

۳۰- دروغ گفتن: «حذر! حذر از دروغ گفتن، چون همراه فسق است و هر دو در جهنم است» مؤمن دروغ نمی‌گوید: «شب معراج دو مرد به نزد آمدند و گفتند: آن شخصی که گوشه دهانش را چاک چاک می‌کند دروغگوی بود، کارش دروغگوئی بود و دروغی که می‌گفت به آفاق می‌رسید.

۳۱- دروغ گفت به شوخی: وای بر کسی که دروغ می‌گوید تا مردم بخندند.

وای بر وی! وای بر وی!

- ۳۲- خود پاک نگه نداشتن از ادرار: از ادرار خود را پاک نگه دارید چون اولین چیزی است که انسان به آن در قبر محاسبه می شود.
- ۳۳- سفر زن بدون همراهی محرم: برای هیچ زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد حلال نیست مسافت یک روز - جز با همراهی محرمی - سفر نماید.
- ۳۴- نوحه سرایی: کسی که بر وی نوحه سرایی و زاری می کنند در روز قیامت به آن معذب می شود «خداوند زن نوحه سرا و گوش دهنده به وی را نفرین کرده است».
- ۳۵- فراخواندن به گمراهی: هر کسی مردم را به گمراهی فراخواند گناه آنها بر دعوتگر است بدون اینکه چیزی از گناه آنها کم شود.
- ۳۶- سوگند به غیر خدا: «هر کس به غیر خدا سوگند یاد کند یا کافر یا مشرک می شود». «هر کس سوگند یاد می کند یا به خدا سوگند یاد کند و یا ساکت شود».
- ۳۷- سوگند دروغ: هر کسی با سوگند دروغ مال کسی را تصرف نماید، پروردگار را ملاقات می کند در حالی که از او خشمگین است.
- ۳۸- سوگند در معاملات: «از سوگند فراوان در معاملات پرهیز کنید چون معامله را رواج می دهد سپس نابود می کند». «سوگند کالا را رواج و برکت را نابود می کند».
- ۳۹- دزدی: «هیچ دزدی دزدی نمی کند مگر اینکه به هنگام دزدی مؤمن نیست». «خداوند دزدی را که تخم مرغ می دزدد و دستش قطع می شود نفرین کرد».
- ۴۰- غصب زمین: کسی ظالمانه یک وجب زمین کسی را غصب کند خدا روز قیامت هفت طبقه زمین را طوق گردنش می گرداند.
- ۴۱- ساختن بنا بر قبر: پیامبر ﷺ از گچ کاری قبر و نشستن بر روی آن و ساختن بنا بر آن نهی فرمود.

- ۴۲- نیرنگ: هنگامی که خداوند تمام خلائق را در روز قیامت گردآوری می‌کند، برای هر خیانت‌کاری پرچمی برافراخته می‌شود، و می‌گویند این خیانت فلانی فرزند فلانی است.
- ۴۳- نشستن بر قبر: اگر کسی بر اخگر (آتش پاره‌ای) بنشیند و لباسش سوخته شود، بهتر از نشستن بر قبری است.
- ۴۴- عزاداری بر مرده: برای زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد حلال نیست بیشتر از سه روز بر مرده - جز برای شوهر - سوگواری نماید.
- ۴۵- تکدی کردن: سه چیز بر آن قسم می‌خورم، و سخنی برای شما می‌گویم آن را حفظ نمائید ... هیچ کسی باب تکدی را باز نمی‌کند مگر اینکه خداوند باب فقیری را بر وی باز می‌کند.
- ۴۶- خیانت در معامله: پیامبر ﷺ از فروختن شخص شهری برای صحرائی «بیابانی یا روستائی» و خیانت در معامله، و معامله بر معاملة برادر دینی نهی فرمود.
- ۴۷- زنانی که به زیارت قبرستان می‌روند: «خداوند زنانی را که به زیارت قبرستان می‌روند نفرین کرده است» ام عطیه رضی الله عنها می‌گوید: ما زنان از رفتن به تشیع جنازه منع شده‌ایم، ولی بر ما به صورت جدی مصمم نبود.
- ۴۸- اجتناب کردن زن: اگر مردی تقاضای همبستری از همسرش نماید و او ممانعت نماید تا صبح فرشتگان او را نفرین می‌کنند.
- ۴۹- خیانت به زیردستان: هر کسی خدا او را بر گروهی برتری داده باشد و به هنگام مرگش معلوم شود به آنها خیانت کرده است پروردگار بهشت را بر وی حرام می‌گرداند.
- ۵۰- فتوی دادن بدون علم و آگاهی: کسی که برای وی فتوی بدون آگاهی داده باشند گناهش بر فتوادهنده است.
- ۵۱- تقاضای طلاق: هر زنی بدون مشکل از همسرش خواستار طلاق باشد

بوی بهشت بر وی حرام است.

۵۲- سخنی که باعث خشم پروردگار شود: کسی حرفی - از خشم پروردگار - می زند و به آن مبالغه نمی دهد، در حالی که ممکن است بواسطه آن هفتاد سال در جهنم سقوط کند.

۵۳- سخن به غیر ذکر خدا: به غیر یاد و ذکر خدا زیاد سخن نگوئید چون باعث سنگدلی می شود.

۵۴- قهر با مسلمانی: «برای هیچ مسلمانی حلال نیست بیش از سه روز از برادر دینی اش قهر باشد». «هر کسی یک سال با برادرش قهر باشد مانند آن است که او را کشته باشد».

۵۵- ناسزاگوئی: بدترین انسان در روز قیامت کسی است که مردم از ترس فحش و ناسزاگوئی او را ترک کرده اند.

۵۶- کسی که هدیه ای می دهد و دوباره پشیمان می شود: «کسی که خواستار برگرداندن هدیه اش است مانند سگی است قی می کند سپس به آن دوباره برمی گردد». «برای هیچ مسلمانی حلال نیست هدیه ای به کسی بدهد سپس پشیمان شود و خواستار هدیه اش باشد».

۵۷- اعلان گم شده در مسجد: هر کس شنید مردی گم شده اش را در مسجد اعلان می کند بگوید: خدا گم شده ات را برنگرداند، چون مساجد برای چنین چیزها ساخته نشده است.

۵۸- مرور از جلو نمازگذار: اگر مرورکننده ای از جلو نمازگذار می دانست چه کیفی دارد، همانا چهل سال می ایستاد بهتر بود برای وی تا از جلو او عبور نماید.

۵۹- اذیت و آزار نمازخوان: هر کسی که پیاز و سیر و تره فرنگی بخورد نباید به مسجد ما نزدیک شود چون فرشتگان به آنچه که انسان را آزار می رساند اذیت می شوند.

- ۶۰- نوشیدن‌های که منع شده‌اند: پیامبر ﷺ از نوشیدن از دهانه مشک آب نهی کردند: «پیامبر ﷺ از نوشیدن با حالت ایستاده جلوگیری کرد.
- ۶۱- نوشیدن با دست چپ: هیچ یکی از شما با دست چپ چیزی نخورد و ننوشد چون شیطان با دست چپ می‌خورد و می‌نوشد.
- ۶۲- قطع صله رحم: «کسی که قطع خویشاوندی می‌کند وارد بهشت نمی‌شود، هیچ گناهی مستحق‌تر به کیفر زودرس پروردگار در دنیا - با وصف ذخیره کیفر آخرت- از قطع خویشاوندی و خیانت و دروغ نیست». «زودرس‌ترین پاداش اعمال برای صله رحم است، تا جای که خانواده بدکار نیز با صله رحم دارائی و تعداد آنها فزونی می‌یابد».
- ۶۳- صلوات نفرستادن بر پیامبر ﷺ: «به خاک مالیده شود - بی‌ارزش شود - بینی آن کسی که اسم من در نزدش برده شود و صلوات بر من نمی‌فرستد». «بخیل کسی است نام من نزدش برده می‌شود و صلوات بر من نمی‌فرستد».
- ۶۴- مهمل گفتن و متکلفانه سخن گفتن: منفورترین شما نزد من و دورترین کس از من در روز قیامت: آدم‌های مهمل‌گو و یاوه‌گو و پرگو هستند.
- ۶۵- نگهداری سگ: هر کس سگی را - بجز سگ شکاری یا سگ گله نگهداری کند، هر روز دو قیراط «دو پیمانۀ بزرگ» از پاداشش کاهش می‌یابد.
- ۶۶- اذیت کردن حیوانات: زنی بواسطه گربه‌ای وارد جهنم شد، چون گربه را حبس کرد، و نه خوراکی به آن داد! و نه هم رهایش کرد تا از حشرات زمین چیزی بخورد تا از لاغری مرد. چیز جاندار را به بازی و اذیت نگیرید.
- ۶۷- نقاشی و عکس کشیدن: «سخت‌ترین عذاب روز قیامت برای کسانی است که (جاندار) را نقاشی می‌کنند» فرشتگان وارد خانه‌ای نمی‌شوند که در آن سگ یا عکس است.
- ۶۸- دشمنی کردن با دوستان خدا: خداوند می‌فرماید: هر کسی با یکی از

دوستان من دشمنی کند با او اعلام جنگ می‌کنم.

۶۹- قتل پناه‌آورنده: هر کسی پناهنده‌ای را به قتل برساند وارد بهشت نمی‌شود، و شمیم و بوی بهشت، در مسیر یکصد سال را می‌یابد.

۷۰- محروم کردن وارث از ارث: هر کس وارثش را از ارث محروم نماید، خداوند او را از بهشت محروم می‌نماید.

۷۱- پنج چیز با پنج چیز واقع می‌شود: پنج چیز اگر به آن مبتلا شدید حال شما چگونه خواهد بود و - به خدا پناه می‌گیرم که شما را فرانگیرد - هیچگاه فحشاء در بین قومی بصورت علنی آشکار نشده است مگر اینکه خشکسالی و طاعونی که در - بین گذشتگان آنها سابقه نداشته - در بین آنها شیوع می‌یابد. و خیانت در ترازو و پیمان‌انجام نداده‌اند مگر اینکه به خشکسالی و تنگدستی و ظلم حاکم گرفتار شده‌اند. و زکات اموال پرداخت نکرده‌اند مگر اینکه از بارش باران محروم شده‌اند. و اگر چارپایان نبود باران نمی‌بارید. و عهد و پیمان خدا و پیامبرش ﷺ را نقض نکرده‌اند. مگر اینکه خداوند دشمنی از غیر آنها بر آنان مسلط کرده است، و برخی از آنچه داشته‌اند را تصرف کرده است، و امرای هیچ قومی به کتاب خدا عمل نکرده‌اند مگر اینکه باعث بدبختی در بین آنها بوده‌اند.



خاتمه

هنگامی که می‌خواهیم در دنیا و آخرت سالم باشیم باید از عاقبت گناهان بیمناک و برحذر باشیم، و این جز با ترک گناهان و دوری از آن، و طلب آمرزش دائمی ممکن نیست.

ابن جوزی رحمته الله می‌گوید: (باید هر انسان عاقل و فهیمی از عاقبت گناهان بیمناک باشد و حذر کند، چون در بین انسان و پروردگار فامیلی و نسب نیست، بلکه بر مبنای قسط و عدالت است، هر چند مهربانی او شامل همه گناهان می‌شود، و اگر بخواهد با گناه ناچیزی آدم را شرمسار می‌نماید، امان! امان!).^۱

مطالبی که ملاحظه کردید چیزی بود دوست داشتم در این بحث کوتاه بخاطر اهمیت موضوع و گله و شکایت مردم از سنگدلی، و از بین رفتن برکات، و وسوسه‌های شیطانی به آن اشاره کنم و خصوصاً عامل اصلی آن شوم بودن گناه – پناه به خدا – می‌باشد، پس اگر خطا و اشتباهی در آن پیدا کردید از بنده حقیر است، واستغفرالله العظیم.

والحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات.

هیچ دعای سودمندتر از دعای غائب برای غائب نیست.

ای خواننده به خدا سوگندت می‌دهم:

که برای نویسنده طلب آمرزش بنمائید.

ریاض / اول محرم ۱۴۲۱ هجری

نویسنده: أبو محمد عبدالله بن محمد بن عبدالرحمن السدحان

۱ - صید الخاطر، ابن جوزی، «ص: ۱۳۲».

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- تفسیر رازی، رازی.
- ۳- مختصر صحیح بخاری، زبیدی.
- ۴- مختصر صحیح مسلم، منذری با تحقیق البانی.
- ۵- صحیح سنن أبی داود، البانی.
- ۶- صحیح سنن ترمذی، البانی.
- ۷- صحیح جامع الصغیر، البانی.
- ۸- فتح الباری، ابن حجر عسقلانی.
- ۹- جامع الاصول، ابن کثیر.
- ۱۰- النوافخ العطرة، صفدی.
- ۱۱- تأویل مشکل الحديث، ابن قتیبة.
- ۱۲- صحیح سنن ابن ماجه، البانی.
- ۱۳- تمییز مشکل الحديث، عبدالرحمن اثری.
- ۱۴- الحلیه، ابونعیم.
- ۱۵- تذکرة السامع والمتکلم، کنانی.
- ۱۶- تهذیب مدارج السالکین، عبدالمنعم العزى.
- ۱۷- احیاء علوم الدین، غزالی.
- ۱۸- فتاوى شیخ الاسلام ابن تیمیة، ابن تیمیة.
- ۱۹- الزهد، ابن تیمیة.
- ۲۰- الفوائد، ابن قیم.

- ۲۱- أَدَابُ الدُّنْيَا وَالِدِينِ، مَأُورِدِي.
- ۲۲- الْجَوَابُ الْكَافِي، ابْنُ قِيَمٍ.
- ۲۳- الْأَذْكَارُ، نُوَوِي.
- ۲۴- صَيْدُ الْخَاطِرِ، ابْنُ جُوزِي.
- ۲۵- طَرِيقُ الْمُهْجَرَتَيْنِ وَ بَابُ السَّعَادَتَيْنِ، ابْنُ قِيَمٍ.
- ۲۶- الْإِيْمَانُ الْاَوْسَطُ، ابْنُ تَيْمِيَّةٍ.
- ۲۷- ذَمُّ الْهَوَى، ابْنُ جُوزِي.
- ۲۸- مِفْتَاحُ دَارِ السَّعَادَةِ، ابْنُ قِيَمٍ.
- ۲۹- التَّوْبَةُ، مُحَاسِبِي.
- ۳۰- تَلْبِيسُ ابْلِيسَ، ابْنُ جُوزِي.
- ۳۱- الْأَدَابُ الشَّرْعِيَّةُ، مَقْدَسِي.
- ۳۲- تَسْلِيَةُ أَهْلِ الْمَصَائِبِ، ابْنُ رَجَبٍ.
- ۳۳- الْحَسَنُ الْبَصْرِي، ابْنُ جُوزِي.
- ۳۴- نَثْرُ الدَّرَرِ، أَبُو سَعِيدٍ الْآبِي.
- ۳۵- الْأَمْرَاضُ الْخَبِيثَةُ عَقُوبَةُ إِلَهِيَّةٍ، د- عَبْدُ الْحَمِيدِ قِضَاةَ.
- ۳۶- الطَّبُّ مُحَرَابُ الْإِيْمَانِ، د- خَالِصُ جَلْبِي.
- ۳۷- مَجْمُوعُ أَخْبَارِ آخِرِ الزَّمَانِ، مَشْعَلِي.
- ۳۸- ابْنُ تَيْمِيَّةٍ بَطْلُ لاصِلَاحِ الدِّينِ، مُحَمَّدُ مَهْدِي اسْتَانْبُولِي.
- ۳۹- التَّدْرِيبَاتُ الْعَمَلِيَّةُ فِي عِلْمِ الْمَوْجَةِ الذَّاتِيَّةِ، يَحْيَى حَمْرَه شَوْلَك.
- ۴۰- مَعَانِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ، أَبُو جَعْفَرٍ نَحَاس.
- ۴۱- مَعَانِي الْقُرْآنِ، زَجَاج.